

راه توده

شهره‌مداران حزب توده ایران در طرح از کشور

جمعه ۷ بهمن ۱۳۶۲ مطابق
۲۷ واندیسه ۱۹۸۴
سال دوم، شماره ۷۷
پهنا: ۴۰ سانتی‌متر

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت صدور احکام جابرانه پیدادگاه‌های نظامی در تهران علیه ۱۰۱ افسر میهن پرست
و اعضای حزب توده ایران

مسئولین قضائی ایران با انصراف از همه اصول قضائی و مقررات دادرسی و نیز نادیده گرفتن اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی، احکام محکومیت ۸۷ نفر از ۱۰۱ نفر افسران میهن پرست و اعضای حزب توده ایران را اعلام کردند. شش نفر محکوم به زندان ابد و بقیه از ۳۰ سال تا ۵ سال و از آن جمله سه نفر به یک سال زندان محکوم گردیدند. سرنوشت ۱۴ نفر از قربانیان رژیم هنوز معلوم نیست. می‌توان حدس زد که جان آنان در خطر است. نمایندگان محافل ارتجاعی با این اقدام بربرمنشانه، خصومت کور خود را نسبت به مبارزان صادق راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی بار دیگر در پیته عمل به نمایش گذاردند. حتی اطلاعات ناقص و دستکاری شده روزنامه‌های مجاز حکایت از آن دارد که گردانندگان دادگاه انقلاب اسلامی ارتش نتوانسته‌اند دلیل معقول و موثقی در اثبات جرائم واهی بقیه در صفحه ۲

سرکوب رسمی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز اعلام شد!

(اکثریت) نیز خط و نشان کشید و به امپریالیسم و ارتجاع "نوید" داد که به زودی این سازمان نیز "متحله" اعلام خواهد شد و اعضای آن باید خود را به مقامات مربوطه معرفی کنند.
بقیه در صفحه ۲

حجت الاسلام ری شهری، رئیس دادگاه انقلاب ارتش ج ۱۰، در مصاحبه‌ای که طی آن احکام غیرعادلانه ۱۰۱ تن از افسران میهن دوست و تعدادی از فعالین حزب توده ایران را اعلام کرد، برای سازمان فدائیان خلق ایران

رفسنجانی: سلاحهای آمریکایی و انگلیسی از نان شب برای ما واجب تر است

میهن ما در هفته‌های اخیر شاهد رویداد های شوم و نفرت انگیزی است. با تلاق خیانت به آرمانهای انقلاب، رهبران ج ۱۰ را بیش از پیش به کام خود می‌کشد. دستاوردهای ارجمند انقلاب شکوهمند میهن ما در بازار مکاره معاملات رسوای ضد انقلابی، به واسطگی تزویر و ریاکاری سیاستمداران ورشکسته به تصویر به حراج گذاشته می‌شوند.

با سه سخنرانی پیاپی هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس و نماینده آیت الله خمینی در شورای عالی دفاع که هم زمان با پایان گرفتن خطبه های نماز "در باره عدالت اجتماعی" بود، سیاست ترمیم و توسعه وابستگی تسلیحاتی ج ۱۰ به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، به بهانه "اهمیت" پیروزی در جنگ توسعه طلبانه با عراق، وارد مراحل نوینی شد. آقای هاشمی به دنبال مصاحبه معروفش، با مجله کویتی "صوت الخلیج" که طی آن از "قدرت های بزرگ" استدعای فروش سلاح های استراتژیک و دور برد به ج ۱۰ را داشت، با این سخنرانی ها فرارز نویسی را در روند بازگشت انقلاب و زانو زدن در برابر امپریالیسم و نشیب تازه‌ای را در زندگی سیاسی خویش رقم زد. سر فصل تازه‌ای که در این سخنرانی ها گشوده شده است، به ظور خلاصه از این قرار است:

آمریکا ۲۷۰۰ قرار داد فروش اسلحه با رژیم شاه منعقد کرده بود. گویا این سلاح ها از هواپیماهای آواکس و اف - ۱۶ تا موشک های بقیه در صفحه ۶

قربانی دیگر تو حش بی حجاب • احسان طبری، در اثر شکنجه های جسمی و روحی کارگزاران امپریالیسم و ارتجاع، به سکنه مغزی دچار شده است

هاشمی رفسنجانی که اخیرا به مقام "دلالی" امپریالیسم و انحصارات اسلحه سازی آمریکائی ارتقا یافته است، با رأفت اسلامی خاص خود می‌گوید:
"این پیر مرد که سکنه مغزی نیز کرده است، در آنجا تنها مورد پذیرائی قرار می‌گیرد تا نمیرد، حال آنکه اگر بیرون بود، ممکن بود بمیرد!"
(اطلاعات - ۲۴ دی) بقیه در صفحه ۷

سببیت و تو حش بی حجاب سردمداران ج ۱۰، اینک قربانی دیگری می‌گیرد. احسان طبری، دانشمند، فیلسوف، بنیان‌نشان، شاعر و نویسند های که اهل علم و ادب و همه مردم انقلابی و مترقی جهان در برابر مقام شامخ ظلمی و فلسفی و ادبی و شخصیت برجسته وی سر تعظیم فرود می‌آورند، در اثر شکنجه های جسمی و روحی کارگزاران امپریالیسم و ارتجاع در سیاهچالهای ج ۱۰، به سکنه مغزی دچار آمده است.

موج پشتیبانی نیروهای دموکراتیک و مترقی سراسر جهان از حزب توده ایران و توده ایهای درینده همچنان ادامه دارد!

داخلی و خارجی به پایان برد اعتراضات گسترده نیروهای دموکراتیک و مترقی که از ابتدا ای سرکوب حزب توده ایران، یکپارچه بقیه در صفحه ۳

پیدادگاه های نظامی ج ۱۰، مرحله اول "محاکات" میهن دوستان و برخی از فعالین حزب توده ایران را، پشت درهای بسته حضور ناظران بین‌المللی، وکلای مدافع و خبرنگاران

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

بمناسبت صدور احکام جابرائه پیدادگاه‌های نظامی در تهران علیه ۱۰۱ افسر میهن پرست و اعضای حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

ارائه دهند . گرچه رئیس و دادستان دادگاه کوشیدند با توسل به انواع ترفند ها جرائم ناکرده را به اثبات برسانند ، افسران میهن پرست علیرغم فشار بی سابقه ، در جریان دادرسی اتهام " سیا " ساخته جاسوسی و براندازی را قویا تکذیب کردند .

استفاده از متهمین به عنوان شاهد در جریان دادرسی ، که مخایرت آشکار با اصول قضائی و موازین اخلاقی دارد و از نظر اصول شرعی مورد استناد سران جمهوری اسلامی نیز خدشه دار است ، به صراحت نشان داد که هیئت حاکمه ایران به رغم جنجال تبلیغاتی ، فاقد دلیل برای اثبات اتهامات بی اساس است و می کوشد در جریان دادرسی ، از زبان متهمین زیر قید و بند شکنجه های شدید جسمی و روحی به اصطلاح دلیل بپراشد .

بپره گیری از این شیوه مطرود موید آنست که در کفرخواست دادستان اثر و نشانه های از عنصر حقیقت وجود نداشت .

یگانه ، گناه نابخشودنی " افسران میهن پرست و اعضای حزب توده " ایران ، که در مجموع

به بیش از ۷۰۰ سال زندان محکوم گردیده اند ، چنانکه در دادگاه نظامی اعلام کردند ، دفاع از انقلاب و مبارزه در راه نجات توده های محروم بود .

اکنون مردم ایران و جهان به خوبی می دانند ، آنچه در جمهوری اسلامی ایران به پیشست میز محاکمه کشانده شده ، عقاید و نظریات اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی اعضای حزب توده " ایران است .

حکام جمهوری اسلامی که با چرخش به راست در زمینه سیاست داخلی و خارجی به آماج های انقلاب بهمن ۵۷ پشت کرده اند ، برای نزدیکی هرچه بیشتر به امپریالیسم تجاوز کار آمریکا به ماجراجویی سیاسی بی نظیسی در تاریخ معاصر ایران متوسل شده اند . همسانی و همگونی تبلیغات لجام گسیخته علیه احسنیاد شوری ، همسایه و دوست نزدیک خلق های کشور ما ، با سیاست شوری ستیزی روزالد ریگان ، مضمون عمده " این ماجراجویی سیاسی را تشکیل می دهد که با مصالح ملی ایران عمیقاً در تضاد است .

مقیاس فاجعه آمیز اقدامات محافل ارتجاعی هر روز گسترده تر می شود . هنوز هزاران نفر از اعضای حزب توده " ایران در فراموشخانه های جمهوری اسلامی در معرض وحشیانه ترس شکنجه ها قرار دارند و طبق اعلام محافل قضائی به زودی محاکمه ۲۰۰ نفر از آنان در زندان اوین ، شکنجه گاه مشهور و مخوف به ارث رسید از رژیم شاه مخلوع ، آنجا که ساواک توده های دیگر مبارزان راه آزادی را زیر شکنجه به هلاک می رساند ، آغاز خواهد شد .

کمیته مرکزی حزب توده " ایران اقدامات ضد انسانی و غیرقانونی محافل ارتجاعی جمهوری اسلامی را به شدت محکوم می کند و از همه " نیر های مترقی و شخصیت های شریف و آزاد جهان دعوت می کند تا صدای اعتراض خود را طیباً احکام جابرائه " دادگاه های نظامی و سرکوب میهن دوستان و مبارزان راه استقلال ، آزادی عدالت اجتماعی بلند کنند .

کمیته مرکزی حزب توده " ایرا

۴ بهمن ماه ۱۳۶۲

سرکوب رسمی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز اعلام شد!

بقیه از صفحه ۱

واقعیت اینست که هم امروز نیز " هر هفته ، حداقل ده تن به عنوان کادر مسئول ، عضو و یا هوادار اکثریت در سراسر کشور بازداشت می شوند . رفیق فرخ نگهدار در جزوه " پرسش و پاسخ خود بر این نکته تأکید می کند که :

" ما اطلاع داریم بازداشت شدگان و حتی چند تن از مسئولین سازمان که بیش از ۲ سال است در اوین ، به طور غیرقانونی در بازداشت به سر می برند ، برای کسب اطلاعات زیر شدید ترین شکنجه های جسمی و روحی قرار دارند . "

در واقع ، مقدمات سرکوب سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از مدت ها پیش تدارک زیده شده است . سردمداران ج ۱۰ ، به ویژه پس از سرکوب حزب توده " ایران و گام نهادن در راه احیای وابستگی به امپریالیسم و پیش گرفتن راه رشد سرمایه داری و دفاع جانانه " سازمان از حزب توده " ایران و توده های دریند ، یورش به " سازمان " را آغاز کردند . رفیق فرخ نگهدار در این رابطه می گوید :

" امپریالیسم ، ضد انقلاب ، همه مرتجعین ایران و جهان و حاکمیت راستگرای ج ۱۰ ، بیش

از هر زمان نیاز داشتند که سازمان در مقابل کوبیدن حزب توده " ایران سکوت اختیار کند و به این ترتیب ، به منزله عاملین این سرکوب درخیمانان در گمراه کردن مردم در تشخیص اوضاع مساعدت کنند . در اینجا باید یک پار دیگر با صراحت تمام اعلام کنم اگر تیغ حکومت ، تمام پیکر سازمان را نشانه بگیرد ، ما کمونیستها فقط حقیقت را به مردم خواهیم گفت و جز آن نخواهیم گفت . هیچ چیز قادر نیست ما را حتی یک سر شوزن هم از مواضع خود و از تحکیم بازم بیشتر پیوند برادرانه با رفقای توده های بازدارد . حزب توده " ایران صرفاً به دلیل وفاداریش به انقلاب سرکوب می شود و سرکوب حزب توده " ایران ، سرکوب حق و عدالت ، سرکوب شرف انسانی و همسه آن چیزهایی است که ما برای آن بپا خواسته ایم . "

رفیق فرخ نگهدار هم چنین تأکید می کند : " سیاست گزاران ج ۱۰ از ما می خواهند که در برابر جنایات و خیانت هایی که علیه انقلاب و مردم صورت می گیرد ، سکوت کنیم و در سنگرهایمان در حالی که پرچم سفید افراشته ایم ، تیر باران شویم . فدائیان خلق به چنین ننگی تن نخواهند داد . هزار بار تن نخواهند داد ! "

پیامهای شادباش بمناسبت برگزاری هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران

به مناسبت برگزاری هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده " ایران که چندی پیش برگزار شد پیام های شادباش از سوی سازمانهای هوادار ، حزب توده " ایران خطاب به کمیته " مرکزی حزب توده " ایران به " راه توده " رسیده است که ما به دلیل کمبود جا و تراکم مطالب ، به برخی از آنها اشاره می کنیم :

● هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در هندوستان ، طی تلگرامی که به " راه توده " رسیده است از برگزاری هجدهمین پلنوم کمیته " مرکزی حزب توده " ایران ابراز خشنودی کرده و آن را به همه توده های ما تسهیل گشته اند .

● هواداران حزب توده " ایران در کانادا نیز پیامی بدین مناسبت ارسال داشته اند . هواداران حزب توده " ایران در کانادا در پیام خود برگزاری هجدهمین پلنوم کمیته " مرکزی حزب را " میثاق جدیدی با ۴۲ سال خروش پرفروغ طبقه کارگر ایران " خوانده و از جانب خود ضمن تبریک برگزاری این پلنوم " پیمان بستند که تا آخرین نفس در راه تحقق اهداف و برنامه های حزبشان کوشا باشند . "

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

موج پشتیبانی نیروهای دمکراتیک و مترقی سراسر جهان از حزب توده ایران و توده‌ایهای در بند همچنان ادامه دارد!

کمونیستها نوبت سلاخی کلیه آزادی خواهان خواهد رسید. سپس توطئه شوم علیه توده‌ایها و سایر دمکراتها در رابطه با سیاست حاکمیت ایران، مبنی بر گسترش روابط با دول امپریالیستی و از جمله آلمان فدرال بررسی گردیده است.

در بیانیه، عکسی نیز از رفیق شهید حسن حسین پور تبریزی، به چاپ رسیده و طوسی فراخوانی از کلیه نیروهای مترقی در آلمان خواسته شده است، با استفاده از کلیه امکانات، به مقابله با خطری که جان اعضای حزب توده ایران و سایر مبارزین زندانی را تهدید می‌کند، برخیزند و جلوی ادامه دادگاه‌های فرمایشی نظامی را علیه متهمین که گناهی جز مبارزه در راه استقلال میهن و برقراری عدالت اجتماعی ندارند بگیرند.

● "کمیته همبستگی ضد امپریالیستی" در اشتوتگارت، ضمن مخابره تلگرافی به رئیس جمهور اسلامی ایران، در تاریخ ۱۹ نوامبر (۲۸ آذر) نسبت به برگزاری دادگاه‌های

بقیه در صفحه ۱۱

برمن طی انتشار بیانیه‌های توضیحی و مطبوعاتی، به شرح آنچه که امروز در ایران بر سر نیروهای مترقی ضد امپریالیست و به ویژه کمونیستها می‌آوردند پرداخته‌اند و پیگرد، بازداشت و شکنجه مبارزین و محاکمه فعالین حزب توده ایران را در بیدادگاههای نظامی، به شدت محکوم نموده‌اند در بیانیه "اتحادیه" در آخن، از جمله به ایسن مطلب اشاره شده است، که هنگام به قدرت رسیدن نازیها در آلمان نیز کمونیستها در صف مقدم قربانیان ترور آنان قرار داشتند و آنروز دیدیم که فاشیسم و ارتجاع، با سرکوب کمونیستها، در واقع به نابودی کلیه نیروهای مترقی خواه و از میان بردن آزادی و دمکراسی در کشور، کمر بسته بودند و عین این وقایع در ایران امروز تکرار می‌شود. رژیم دیکتاتوری حاکم بر کشور، با کشاندن اعضای حزب توده ایران به قریانگاه، عملاً هر گونه ندای حق طلبی و آزادی خواهی را در گلوئی مردم خفه کرده است. بنابراین این نگویم که قربانی فقط کمونیستها بودند بلکه این مطلب بیندیشیم و بدانیم که پس از

بقیه از صفحه ۱
پشتیبانی و همبستگی خود را اعلام کرده بودند، در این مرحله ابعاد گسترده تری به خود گرفت. تمامی این سازمانها، برپائی چنین "دادگاه‌های فرمایشی" را محکوم کردند و متوقف ساختن آنها را خواستار شدند. نمایندگان خود را برای حضور در دادگاه و بررسی وضع زندانیان نزدیک و نحوه گرفتن "اقرار" به سفارت - خانه‌ها معرفی کردند و بدیهی است که هیچ پاسخ مثبتی دریافت نداشتند. سردمداران ج ۱۰ با پی گرفتن این گونه روش‌های غیر مسئولانه و ضد بشری و سرکوبگرانه و لجن پراکنی علیه حزب توده ایران و مدافعان استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی تنها و تنهایی حکم حکومت خود، مهر تأیید می‌کنند.

آلمان فدرال

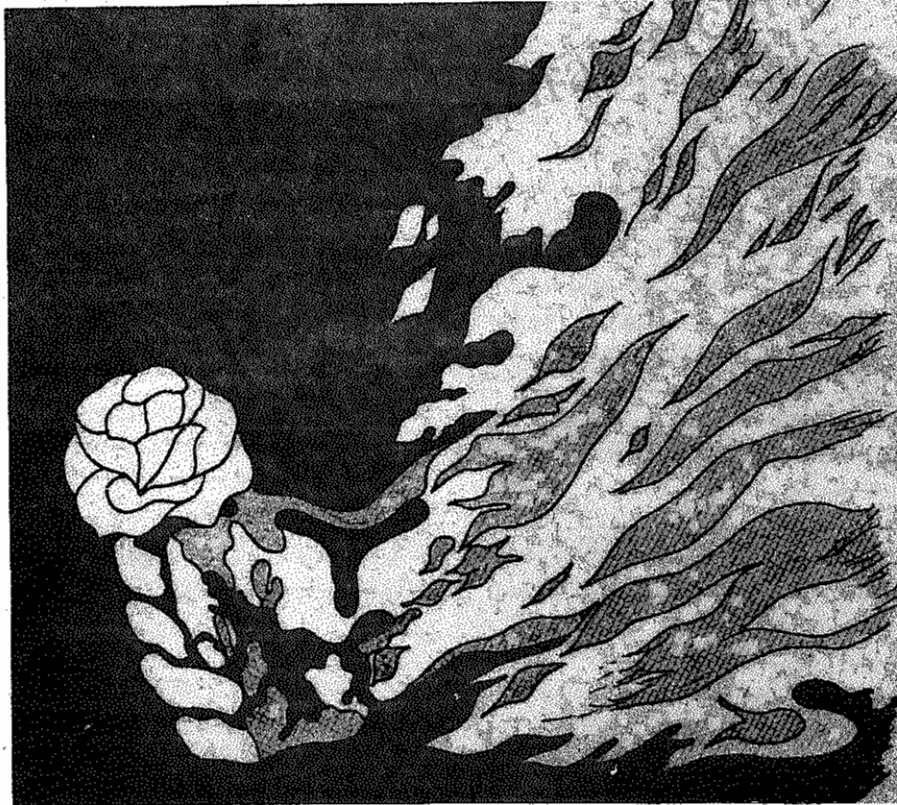
جنش دانشجویان مسیحی (اوانگلیست) دانشگاه فرانکفورت در آلمان فدرال، یکی از نهاد های معتبر مذهبی، در تاریخ ۲۲ دسامبر (۱ دی ماه) تلگرافی به رئیس جمهور اسلامی ایران مخابره و طی آن به محاکمه افسران آزادی خواه و توده‌ایها، در دادگاه‌های در - بسته نظامی اعتراض نموده است.

نهاد مذکور، خواسته است که محاکمات به صورت علنی و با شرکت ناظران بین المللی انجام پذیرد.

● بنا به دعوت "کمیته خلع سلاح و همکاری" روز هشتم دسامبر گذشته (۱۷ آذر)، جلسه مشترکی از اعضای کمیته و رفقای حزب توده ایران در شهر آخن تشکیل شد که طی آن، مواضع حزب ما پیرامون مسئله صلح جهانی و جنگ ایران و عراق بررسی و همچنین در مورد رویدادهای اخیر کشور، سرکوب حزب توده ایران و رفتار وحشیانه مأمورین حکومتی ج ۱۰ با اعضای حزب و سایر مبارزین مترقی و برپائی دادگاه‌های نظامی بحث و گفتگو به عمل آمد.

در پایان، شرکت کنندگان، این اعمال را محکوم کردند و برگزاری محاکمات در دادگاه‌های علنی، با شرکت ناظران بین المللی و آزادی کلیه اعضای در بند حزب و سایر دمکراتهای زندانی را خواستار گردیدند.

● شعبه "اتحادیه ضد فاشیستها و کسانی که تحت پیگرد نازیها قرار داشتند" در آخن و



با گسترش موج همبستگی بین المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

سیاست شوروی ستیزی محکوم به شکست است!

در قطعنامه " هجد همین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده " ایران گفته می شود :

" ما معتقدیم که متحدان طبیعی خلقهای مهین ما عبارتند از : در درجه اول اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی . امپریالیسم در تلاش خود برای صدور ضد انقلاب همیشه کوشیده و می کوشد که جنبش های رهائی بخش را از وستلن جهانی خود جدا ساخته و بدین سان زمینه را برای تحکیم مواضع داخلی عمال امپریالیسم و نیروهای واپسگرا فراهم سازد . هم اکنون ما شاهد این روند در میهن خود هستیم . تجربه تاریخی مویده آن است که هر جا امپریالیسم موفق به تحقق این سیاست گردیده ، جنبش انقلابی در آن کشور سرکوب و سلطه امپریالیسم جاکم شده است . پلنوم ، سیاست سران ج ۱۰ را برای احیای مواضع امپریالیسم در کشور ، زیر پوشش شعار به اصطلاح نه شرقی ، نه غربی که عملاً به سیاست نه شرقی ، فقط غربی تبدیل شده و نیز اوج هیستری ضد شوروی را سیاستی عمیقاً ضد ملی و مغایر مصالح عالیله خلقهای میهن ما می داند (ویژه نامه " راه توده " ص ۶)

این ارزیابی پلنوم ، که با زتاب نتایج چرخش هدیت حاکمه ج ۱۰ ، به راست است ، با آنچه در میهن ما می گذرد ارتباط مستقیم دارد . منا دادگاه های فرمایشی ج ۱۰ را که در آنها حزب توده " ایران به محاکمه کشانده شده است و اتهامات سراپا دروغ و بی پایه سرهم بندی شده توسط عمال و دست نشاندهگان امپریالیسم ، که از آنها برای دامن زدن به تبلیغات علیه اتحاد شوروی بهره گیری می شود ، وسیله ای است برای جدا ساختن ایران از متحد بالقوه و طبیعی آن و مآلاً آوردن ضربه قطعی بر نهضت انقلابی مردم میهن ما .

همه آتانی که کم و بیش رویداد های بین المللی و فعالیت مذبحخانه دولت ایالات متحده و شخص ریگان را در عرصه بین المللی علیه اتحاد شوروی و مجموعه سیستم جهانی سوسیالیسم و نیز نهضت های رهائی بخش ملی در سراسر جهان تعقیب می کنند ، به سهولت می توانند به آنچه در پشت پرده می گذرد پی ببرند . واقعیت این است که امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ، یک بار دیگر شانتاژ خطر کمونیزم و خطر شوروی را که حربه عهده در مبارزه سیاسی و تبلیغاتی علیه جنبش های رهائی بخش ملی است ، در مبارزه با انقلاب شکوهمند مردم ما به کار گرفته است و سران ج ۱۰ نیز برای جلب حسن نظر امپریالیسم در برابر آن تسلیم شده اند و با صراحت تمام به ایسمن تسلیم طلبی اعتراف می کنند .

رسانه های گروهی رژیم ، نیاشته از چنین اعترافاتی است ، که نقاب از چهره گردانندگان کارزار تبلیغاتی علیه اتحاد شوروی بر می دارد و

هدف اساسی سران مرتجع ج ۱۰ را از تعقیب این سیاست عمیقاً ضد مردمی فاش می سازد .

۲۹ تیرماه سال جاری ، روزنامه اطلاعات در مقاله ای پیرامون به اصطلاح دستاورد های انقلاب اسلامی ، ضمن پاسخ به امپریالیسم و عمال محلی آن ، در باره آنچه آنها گرایش ج ۱۰ به اتحاد شوروی می نامند ، مسائلی مطرح کرده است که یاد آوری آن برای درک سیاست رژیم ضرورت دارد . نویسنده مقاله برای تیره رژیم در مقابل امپریالیسم و جلب " الطاف " آن دو دلیل ارائه می کند : نخستین دلیل ، قطع فروش گاز به اتحاد شوروی بوده که هدف آن چیزی جز تحدید هر چه بیشتر مناسبات اقتصادی ایران و گسترش مناسبات بازرگانی با نل امپریالیستی نبوده نیست . دلیل دوم که نویسنده اطلاعات در توجیه تبعیت از امیال امپریالیسم جهان خوار آمریکا عرضه می کند ، ماهیت سیاست ضد مردمی رژیم را عریان تر در معرض قضاوت توده های زحمتکش قرار می دهد ؛ وی می نویسد :

غربی ها قطع فروش گاز به شوروی و دهها نمونه دیگر مواضع قاطع ایران را نادیده گرفته اند و مسئله آزادی فعالیت سیاسی حزب توده ایران را مطرح ساختند . آیا سران ج ۱۰ در مقابل این خواست امپریالیسم از خود استقلال رأی نشان دادند ؟ حاشا ! حکام ارتجاعی در این مورد نیز به نزاع امپریالیسم پاسخ مثبت دادند . اطلاعات نوشت :

" درست در اوج این جنجال ها بود که ناگهان مردم دنیا دیدند که تمامی خبرگزاری های جهان مخابره کرده اند که سران حزب توده ایران بازداشت شدند "

چنانکه ملاحظه می شود ضربه به حزب توده " ایران در ارتباط ناگسستی با تیرگی هر چه بیشتر مناسبات ایران و اتحاد شوروی پسرای برآوردن این خواست عمده " امپریالیسم آمریکا بود . پنج ماه از انتشار مقاله نامبرده در فوق می گذرد ، پنج ماهی که ارتجاع داخلی تبلیغات افسار گسیخته ای را علیه همسایه " دیوار به دیوار ما به راه انداخته است . ولی نه امپریالیسم و نه ارتجاع داخلی در خدمت آن هنوز راضی نیستند و پرچم سیاه افشا شده " خطر کمونیزم " و " خطر شوروی " را همچنان افراشته نگاه داشته اند . در پنج ماه بعد یعنی ۳۰ آذرماه باز همان روزنامه اطلاعات ، این بار از زبان یکی از نمایندگان مجلس می نویسد :

" ... فریاد بر می آورد که کشور یکپارچه سوسیالیستی شده است ... عجیب این جاست که این اتهامات در زمانی زده می شود که بر خلاف زمان شاه ما جلوی صدور گاز به شوروی را گرفته و واردات آن از این کشور خیلی کمتر از زمان شاه (شده است) در مجموع مبادلات بازرگانی ما با بلوک شرق قابل ملاحظه

با سایر کشورهای جهان نیست و از نظر فکری و سیاسی نیز امروز حزب توده به عنوان سمبل این جریان ۰۰۰ در زندانهای ج ۱۰ ، آخرین روزهای حیات سیاسی خود را پشت سر می گذارد "

آنچه بسیار جالب است تشابه استدلال نمایندده " مجلس با مقاله یاد شده " روزنامه " اطلاعات است : نه آقایان ! هیچ نیرویی در جهان قادر نخواهد بود ، حزب توده ایران را که از اعناق جامعه برخوردار است از صحنه سیاسی خارج کند . مگر نه این بود که شاه مخلوع هم این خیال خام را در مخیله خود می پروراند ؟ شاه رفت ولی حزب توده " ایران نیرومند تر از پیشگام در عرصه نبرد علیه امپریالیسم و عمال آن گذارد . امروز هم حزب توده " ایران با تشکیل موقیقت - آمیز پلنوم هجد هم خود با اراده خلل ناپذیر در راه آرمانهای مردمی انقلاب به نبرد نابرابر ادامه می دهد و سیاست ضد ملی و ضد مردمی سران ارتجاعی ج ۱۰ را فاش می سازد . اظهارات نماینده " مجلس که ما از آنها یاد کردیم نمونه بارز این سیاست ضد مردمی است .

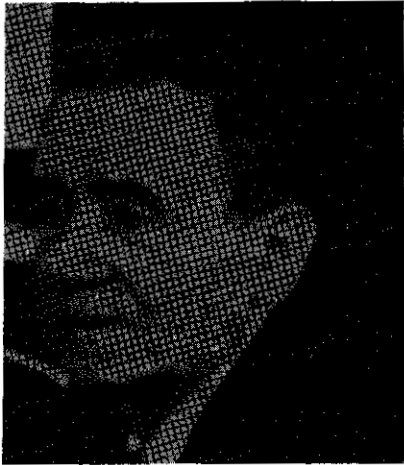
شوروی ستیزی به سود چه کسانی است ؟

از قطع فروش گاز به شوروی کدام طرف متضرر گردید ؟ منظور ما آن گازی است که تا امروز همراه نفت از جاه خارج می شود و سوزانده و تبدیل به دود می گردد . از فوریه ۱۹۸۰ که صدور گاز به شوروی قطع گردیده ، در میهن ما بیش از ۵۰ میلیارد مترمکعب گاز به ارزش بیش از ۴/۵ میلیارد دلار را که می بایست فروخته شود ، سوزانده شده است این روند در آتیه نیز ادامه خواهد داشت . طبق نوشته اطلاعات با تولید نفت خام در فلات قاره ، گازهای حاصله که در دوره ۱۳۶۲ - ۱۳۶۶ به حداکثر خواهد رسید ، کمترین سوزانده خواهد شد . (اطلاعات ۴ دی ماه ۶۲)

همه می دانند که یکی از حربه های ریگان در جنگ صلیبی علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ، تحدید مناسبات اقتصادی و بازرگانی است . وقتی آقای نماینده " مجلس می گوید ، ج ۱۰ واردات خود را از شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی کاهش داده ، مخاطبش کیست ؟ آیا این همسانی سیاست سران ج ۱۰ با امپریالیسم آمریکا را باید تصادفی دانست ؟ نه ! اعمال سران رژیم حساب شده و قانونمند است .

در گزارشی که اخیراً انتشار یافت ، گفته می شود ، سهم اتحاد شوروی در ارزش کل واردات ایران از ۷/۵ درصد در سال ۵۹ به ۱/۴ درصد در سال ۶۰ کاهش یافت . در همان فاصله سهم آلمان غربی از ۱۵ درصد به ۱۶/۶ درصد بقیه در صفحه ۱۴

آندری گرومیکو: "آمریکا باید ارتش خود را از گرنادا خارج کند"



خلقی جلاد، را سرپا نگاه داشته است .
اکنون بزرگترین خطر برای صلح جهانی ،
سیاست خارجی تجاوزگرانه ایالات متحده ،
آمریکاست . مشی نظامی گری در امور جهانی ،
حاصل سیاست داخلی آنهاست که در آنجا
مسابقه تسلیحاتی برای تجار اسلحه ، پر سود -
ترین معامله است .

نظری به نتایج سی و هشتمین اجلاسیه
سازمان ملل متحد بیفکنیم که اخیرا به پایان
رسید : در آنجا دو برخورد متفاوت نسبت به
مسائل حاد بین المللی وجود داشت . اکثریت
کشورهای عضو سازمان ملل متحد از قاره های
گونگون و دارای نظام سیاسی - اجتماعیه
مختلف در یک قطعنامه جنگ هسته ای را به
مثابه جنایتی علیه جامعه بشری محکوم کردند ،
تنها ایالات متحده آمریکا در مقابل جهانیان

قرار گرفت و علیه آن رأی داد .

پیشنهاد دیگر مربوط به منجمد کردن
تسلیحات هسته ای و کوشش برای کاستن
و محدود کردن هرچه سریع تر آن بود . این
پیشنهاد هم مورد قبول اکثریت قاطع دولت های
عضو قرار گرفت . ایالات متحده آمریکا ، باز هم
" نه " گفت و در انزوای کامل قرار گرفت .

ما خشنودیم که ابتکار اتحاد شوروی ، هسته
اصلی قطعنامه مبنی بر لزوم اتخاذ تدابیر موثر
برای جلوگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضای
کیهانی را تشکیل داد . ایالات متحده آمریکا
آنجا هم رأی مخالف داد . گرچه اکنون فقط کور
ها نمی توانند ببینند که چه خطری بشریت را از
فضای کیهانی ، اگر نظامی گری به آنجا کشیده
شود ، تهدید می کند .

آری ، برای اثبات صلح طلبی ، عمل مشخص
لازم است و نه سخن پراکنی هایی که این روزها
به خصوص واشنگتن به آن متوسل می شود . چرخش
در ماهیت این سیاست لازم است ، از سیاست
نظامی گری و تجاوز به سیاست صلح و همکاری بین
المللی .

واضح است کسی که راه تدارک جنگ را در
پیش گرفته ، خواهان توافق در باره محدود کردن
تسلیحات نیست . درست به همین جهت
واشنگتن قرار داد سالت - ۲ را که آمریکا قبلا
امضا کرده بود به دور انداخت و به همین علت
از انجام گفتگو بر پایه یگانه اصل عادلانه برابری
و امنیت یکسان امتناع می ورزد و قرارداد های
قبلی را هم زیر پا می گذارد .

اتحاد شوروی هوادار قاطع حل مسائل بین -
المللی در پشت میز مذاکره بوده و خواهد بود .
این مشی اصولی ما در امور بین المللی است . امبا
ما طرفدار مذاکرات جدی هستیم و نه آن گونه
گفتگوهای که به عنوان پرده ساتر برای تحقق
نقشه های نظامی گرانه مورد سوء استفاده قرار
گیرد . ما در گذشته نه یکبار بلکه بارها ، یادآور
شدیم که استقرار موشک های پرشینگ و بالداردر
اروپای غربی پایه مذاکرات را تخریب و ادامه
آنها را غیر ممکن می کند . واشنگتن ارسال موشک
ها را به اروپا آغاز و ادامه گفتگوها را بی موضوع
کرد .

میلیتاریسم ، همیشه و در همه جا ضد انسانی
است . تظاهر بارز این امر ، اکنون در لبنان
به روشنی دیده می شود : لبنان را به معنای
واقعی ، قطعه قطعه کرده اند . اینک این کشور
را چکمه های سربازان دولتهائی پایمال می کنند
که برخی از آنها در همین سالن حضور دارند .
نیروهای دریائی آمریکا شهرهای لبنان را گلوله
باران می نمایند .

ماشین جنگی آمریکا در لبنان بذر مرگ و
ویرانی می پاشد . متجاوزی که به سرزمین دیگران
رفته است تا با زور اسلحه ، نظم مورد نظر خود را
تحمیل کند ، قیافه رنجیده به خود گرفته و فریاد
می کشد " به ما حمله می کنند ، ما مجبوریم از خود
دفاع کنیم " . در مقابل که از خود دفاع می کنید ؟
در برابر کسی که قربانی تجاوز شده است ؟ در
مقابل کسی که خود به او حمله کرده اید ؟ به
زحمت می توان پذیرفت در این گونه بازی بسا
واقعیات ، تفکر سالم و ابتدائی ترین مفاهیم
حقوق بین المللی راه دارد .

مگر یک انسان شرافتمند می تواند نسبت به
آنچه که بر گرنادا گذشت بی تفاوت بماند ؟ عطی
راهزنانه و تروریستی از سوی یک کشور بزرگ علیه
خلق گرنادا ، ایالات متحده آمریکا باید ارتش
خود را از گرنادا خارج کند . آنان در آنجا
کاری ندارند .

اینک دیگر بر کسی پوشیده نیست که چه
کسی دسته های مزدور تروریست را علیه نیکاراکوئه
تجهیز می کند ، چه
کسی هند وراس را به پایگاه نظامی خود بسدل
می سازد و چه کسی در السالوادر یک رژیم ضد

روز هجد هم ژانویه ، در کنفرانسی کسه در
استکهلم پایتخت سوئد ، با شرکت کشورهای اروپائی
و ایالات متحده و کانادا ، به منظور اتخاذ تدابیری
در جهت تحکیم و اعتماد و امنیت و همچنین خلیج
سلاح در اروپا آغاز به کار کرد ، آندری گرومیکو ،
رئیس هیئت نمایندگی اتحاد شوروی مواضع کشور
خود را در این زمینه روشن ساخت . او گفت :
یکی از وظایف حاد کنونی ، تحکیم اعتماد
میان کشورها ، هم در زمینه سیاسی و هم در زمینه
نظامی است . این امر به ویژه در شرایط وخیم
کنونی اوضاع بین المللی اهمیت دارد . با آغاز
استقرار موشک های تازه آمریکائی در چند کشور
اروپای غربی ، نه امنیت بین المللی تحکیم شد و نه
امنیت کشورهایی که خطر استقرار این موشک را
تقلیل کردند . برعکس ، برخلاف آنچه که برخی رجال
غربی که سیاست خود را بر پایه فریب خلق ها قرار
داد هاند تأکید می کردند ، استقرار این موشک ها ،
امنیت را متزلزل می سازد و به همراه خود نظامی -
گری ، دشمنی و روحیه جنگ طلبی را از آمریکا به
اروپا صادر نماید .

تنها در صورتی می توان جلوی این لغزش
خطرناک ، به سوی برنگاه را گرفت که دولت های
شرکت کننده در این مجمع ، برخوردی مسئولانه
در پیش گیرند . ما تکرار می کنیم - اگر ایالات
متحده آمریکا و دیگر کشورهای ناتو اظهار
آمادگی کنند که به وضع پیش از استقرار موشک
های جدید آمریکائی در اروپا بازگردند ، آنگاه
اتحاد شوروی نیز آماده خواهد بود این کسار را
انجام دهد .

گفتگوهای دو کشور پیرامون محدود کردن
جنگ افزارهای هسته ای در اروپا به گناه دولت
آمریکا قطع شد . این دولت به جای مذاکره
و گرایش به توافق ، راه تغییر تناسب نیروها به
سود خویش را در پیش گرفته است . دولت آمریکا
این هدف را در برابر خود قرار داده که بسا
افزایش بی بند و بار تسلیحات هسته ای ، پرتزی
نظامی آمریکا علیه اتحاد شوروی ، برتری نظامی
کشورهای ناتو علیه کشورهای قرار داد ورشو را
تأمین نماید . این امر به زعم برنامه ریزان آمریکائی
باید به پیروزی یک جنگ هسته ای منجر شود .
همین دیروز بود که رهبران آمریکا ام از نظامی
و غیر نظامی با وقاحت در این زمینه استدلال
می کردند .

بود چه نظامی آمریکا با آهنگ غیر قابل
تصور می کشد ، با تب و تابی بیمارگونه
مشغول ساختن موشک ، بمب اتم و ناوهای
هواپیما بر تازه هستند . وسایل جدید امحاء
جمعی مورد آزمایش قرار می گیرد .
خلاصه این که دولت کنونی آمریکا دولتی
است که با معیارهای جنگی می اندیشد و به همین
ترتیب هم عمل می کند .

رفسنجانی:

«سلاحهای آمریکایی وانگلیسی از نان شب برای ما واجب تر است»

بقیه از صفحه ۱

فونیکس، از ناوشکنهای اسفرونز تا زیردریاییها و موشکهای دریا به دریای «هاریون» و موشکهای «هاوک»، برای ملت ایران ۰۰۰ بسیار اهمیت داشته، برخی از آنها را «خلبانهای ما می دانند جقدر با ارزش» بوده اند. برخی دیگر «فوق العاده برای ما اهمیت دارند»، و سرانجام این سلاحها از «نان شب برای این ملت لازم تر بوده است»

رژیم شاه سه قرار داد خرید اسلحه نیز با انگلستان بسته بود که آنها نیز از تانکهای «چیفتن» (شیر)، تانک برهسا و موشکهای «راپیر»، «سخت مورد نیاز ما بود» و «هیست»، چرا که «این نیرو اگر در دست امت حزب الله باشد، بر منطقه حکومت نیرومندی خواهد داشت».

«بختیار»، در آخرین روزهای سقوط خویش «این قراردادها را لغو کرده است و با این عمل «خیانت بسیار عظیمی را انجام داده است» (!؟)

«ما» (یعنی رژیم شاه!) نزدیک به ۱ میلیارد دلار از ۲۰ میلیارد دلار بهای سلاحهای آمریکایی و کمتر از یک میلیارد دلار از ۲ میلیارد دلار سلاحهای انگلیسی را پرداخته ایم، و در حال حاضر این امکان را داریم که این سلاحها را با مراجعه به دادگاههای بین-المللی (و البته با پرداخت بقیه بدهی خویش و پرداخت تفاوت بهای مربوط به افزایش قیمت) از آمریکا و انگلستان به زور (!؟) تحویل بگیریم. (اطلاعات ۲۴ دی ۶۲)

سیاستهای رژیم ستمشاهی در بسته بندی «شرعی»

واقعیات هولناک و خشم انگیزی که از خلال این سخن رخ می نماید، به روشنی ماهیست سیاست ضد انقلابی ارتجاع حاکم برج ۱۰ را افشا می کند.

نخست، آقای هاشمی طی خطبهای طولانی

در توصیف معجزات سلاحهای آمریکایی و انگلیسی، به این نتیجه می رسد که این سلاحها در دست امت حزب الله - به عبارت صریح تر پشتیبانی - امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا از ج ۱۰ - برای سیطره نیرومند ج ۱۰ - بر منطقه، از نان شب برای مردم ایران واجب تر است.

ناگفته پیداست که این سخن عصاره شوونیسم و ناسیونالیسم ارتجاعی، چیزی جز افاضات

آریامهری در باره احیای عظمت ایران باستان به حمایت امپریالیسم آمریکا نیست که با عوامفریبی بی پرده در بسته بندی «شرعی» و «اسلامی» ارائه می شود. شوونیسمی که روزگاری سرمست از توهمات بیمارگونه، شعار می داد که: «ما مسلح به الله و اکیریم»، و «خون بر شمشیر پیروز است» و اینک در مانده در بن بست جنگی بیهوده، آرزوی مسلح شدن به آواکس و فونیکس را دارد.

دوم، آقای هاشمی ادعا می کند که دولت بختیار با لغو این قرار دادها «خیانت عظیمی» مرتکب شده است، تا از بیان صریح تر این سخن نتیجه گیری انزجار آفرین که عقد دوباره آنها «خدمت عظیمی» محسوب می شود، طفره رود.

اما مردم ما هشیار تر از آنند که با چنین شعبده بازیهای ناشیانه ای فریفته شوند. مردم ما فراموش نکردند که در واقع بسیاری از زنجیرهای اسارت قرارداد های نظامی و تسلیحاتی با آمریکا، نه در زمان بختیار، بلکه در جریان مخالفت دم افزون با دولت موقت، روی موج فشار نیرومند تودهای، به وسیله شورای انقلاب که آقای رفسنجانی نیز از اعضای آن بود، لغو شد.

در آن زمان دکتر یزدی، وزیر خارجه دولت موقت که کاملاً مورد پسند دولت آمریکا نبود، در



پاسخ به اعتراض افشاگرانه حزب توده ایران، عدم لغو بقیه قرارداد های نظامی ایران با آمریکا می گفت:

«قرارداد های نظامی را به خاطر اهمیت که دارند، نمی توان بدون مطالعه و یکجانبه لغو کرد». او نیز شاپور بختیار را به خاطر لغو بخشی از قرارداد های نظامی ایران با آمریکا قبل از سقوطش، انجام داد. (یامداد ۱۹ - مه ۵۸ - به نقل از نامه مردم شماره ۶۵)، سرزنش می کرد. آن روزها دکتر یزدی در بحبوحه زد بند با امپریالیسم آمریکا، بختیار را به خاطر لغو قرارداد های نظامی زیر فشار افکار عمومی، خائن اعلام می کرد، و امروز آقای رفسنجانی.

آن روزها آقای رفسنجانی، انعقاد این قرار دادها را «خیانت» می نامید، و امروز انعقاد دوباره آنها را «خدمت» می خواند. در این فاصله چه چیز تغییر کرده است؟ امپریالیسم آمریکا، همان «شیطان بزرگ» درنده و اسارت گر است که بود. مردم زحمتکش ما نیز همان مردمی هستند که فریاد تند آسای «مرگ بسر آمریکا» ی آنها، هنوز در آسمان میهن انقلابی طنین افکن است. آیا جز اینست که این تنها رفسنجانی ها هستند که اینک از گناه چشم زخم، منافع شیطان بزرگ در کشور ما، از پیشگاه ارتجاع جهانی پوزش می طلبند؟

سوم، آقای رفسنجانی بیهوده می کوشد با این ادعا که قصد آن دارد حقیق از دست رفته مردم را «در دادگاههای بین المللی» به زور از آمریکا و انگلستان باز پس گیرد، تلاش فاجعانه رهبران ج ۱۰ برای جلب پشتیبانی بیشتر امپریالیسم جهانی از آنان و فروش سلاحهای استراتژیک با ج ۱۰ را که به بهای سنگین خیانت به آرمانهای مردم و انقلاب و همسانی و همکاری هرچه بیشتر با سیاست های هارترین جناح ارتجاع امیریا - لیستی تمام شده است، به عنوان نوعی «مبارزه ضد امپریالیستی» به مردم ما قالب کند.

ناگفته پیداست احیا قرارداد های خرید اسلحه از امپریالیسم با بازگشت مستشاران

نظامی آن و احیاء قانون کاپیتولاسیون همراه خواهد شد و این را آقای رفسنجانی بهتر از هر کسی می داند!

این ترفند شناخته شده های است که در جریان بازگشت انقلاب، رهبران گریخته از خلق، از هراس خشم مردم ناگزیرند تسلیم ننگین به امپریالیسم را نیز «مبارزه ضد امپریالیستی» بخوانند و گله گزاری دلجوانه از امپریالیسم را نیز در لوی پر خاشاکی عوام فریبانه پنهان کنند:

«از موازین دیپلماسی دنیا به دور است که بقیه در صفحه ۷»

رفسنجانی: «سلاحهای آمریکایی و...»

بقیه از صفحه ۶

آمریکای مدعی بی طرفی (!؟) اعلام کند که ناوگانش را در اختیار عراق قرار می دهد. عراق همان کشوری است که شعارهای چپ گرایانه هم زیاد می داد. ۰۰۰ آمریکا می داند که اکثریت سلاح عراق هنوز هم متعلق به شوروی است. و هنوز کارشناسان عراق روسی هستند، و ارتش عراق یک ارتش چپ است (هاشمی - رفسنجانی - سخنرانی در دیدار با وزیر و کارکنان آموزش و پرورش - اطلاعات - ۲۴ دی ۶۲). آیا صریح تر از این می توان از آمریکایی بیطرف (!؟) درخواست کرد پشتیبانی نظامی خود را از ج ۰۱۰، که اکثریت سلاح اش هنوز آمریکایی است، ارتشش هم چپ نیست و اصیل ترین نیروهای چپ را هم با داغ و درفش و جیب و اعدام کفر می دهد، سرمایه گذاری کند؟ جلوه دیگری از این ترفند کهنه آنست که آقای هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه هفته بعد در حالی که خلاصه های از سخنان هفته قبل

را تکرار می کند و به این نتیجه صریح هم می رسد که:

"علیرغم پیشرفت هایی که در زمینه خود - کفایی تسلیحاتی به دست آوردیم، با این حال به تأمین سلاح از خارج نیازمندیم و باید خود را قوی نگه داریم."

و در عین حال ادعا می کند:

"اولی تن به قرارداد های اسارت بار زمان شاه نمی دهیم" (راد یو ایران - ۳۰ دی ۶۲). حال آنکه خود هفته پیش لخوا همین قرارداد های اسارت بار را "خیانت" خوانده است و به طور تلویحی عقد دوباره آنها را خواستار شده است.

اوج گیری بحران وزیاده خواهی امپریالیسم و سراسیمگی رهبران ج.ا.

دلیل شتابزدگی رهبران ج.ا. در علنی

کردن مناسبات پنهان با امپریالیسم و سراسیمگی آنان در آماده کردن افکار عمومی برای عقد قرارداد های تسلیحاتی و نظامی با امپریالیسم را باید در تشدید بحران داخلی ج.ا. و زیاده خواهی دم افزون امپریالیسم آمریکا جست.

بن بست جنگ توسعه طلبانه با عراق و تشدید بحران اجتماعی - اقتصادی و سیاسی در میهن ما، رهبران ج.ا. را به سوی تشدید تلاشهای ارتجاعی می راند. آنان که مدت ها ست سرنوشت خود را با پیروزی دست نیافتنی در جنگ توسعه طلبانه پیوند زد ه اند پیش از پیش به این نتیجه می رسند که برای کسب این پیروزی، در ادامه نسو سازی وابستگی اقتصادی، احیای کامل وابستگی تسلیحاتی و نظامی به امپریالیسم جهانی است. برای جلب پشتیبانی امپریالیسم ضروری است. هفته گذشته اعلام شد که به ابتکار ج.ا. پیمان عمران منطقه ای ایران، پاکستان و ترکیه

(پوشش اقتصادی و فرهنگی پیمان سنتو) احیاء شده است، و نخستین دبیر آن، نماینده ترکیه، کشور عضو پیمان ناتو خواهد بود. (آسوشیتد پرس - ۱ بهمن ۶۲)

از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا که دست است ارتجاع ایران را خوانده است با موضع گیری اخیر در حمایت از رژیم عراق، تصمیم به برقراری روابط دیپلماتیک با عراق و تضمین نظامی جلوگیری از شکست عراق در جنگ با ایران (واشنگتن پست - ۱ ژانویه ۶۲) نشان داد که رهبران ج.ا. برای کسب حمایت آمریکا می بایست بهای سنگین تری از آنچه تا کنون پرداخته اند، بپردازند. محافل آمریکایی، موضع گیری اخیر را به معنای "تغییری در سیاست آمریکا" ارزیابی می کنند. این خود به این معناست که طی ماه های گذشته، آمریکا که در اجرای سیاست مسخ انقلاب ایران موفق بوده است، به حمایت از ج.ا. تمایل داشته است. در همین راستا این نکته مهم قابل تأمل است که محافل آمریکایی، با صراحت اعلام می کنند که در میان رهبران دولت ریگان، گسروه نیرومندی طرفدار حمایت ایالات متحده از ایران در جنگ با عراق است (واشنگتن پست - همانجا). ایالات متحده به این ترتیب نشان می دهد در صورتی که رهبران ج.ا. امتیازات بیشتری به نمایندگان هارترین جناح انحسار امپریالیستی بپردازند، این امکان وجود دارد که گروه طرفدار ج.ا. در رهبری دولت آمریکا تقویت پیدا کند.

راز سراسیمگی و شتابزدگی رهبران ج.ا. در علنی کردن مناسبات خویش با امپریالیسم آمریکا، و زمینه سازی سیاسی و تبلیغاتی و عقد قرارداد های تسلیحاتی و پیمان های نظامی با امپریالیسم آمریکا و انگلستان را در این تحولات سیاست امپریالیسم آمریکا نباید جست. این شتابزدگی در عین حال نشانه آنست که ارتجاع ایران، هم تر از پیش در تدارک چرخش هر چه کامل عیار تر در راستای استقرار در جرگه کشورهای سراپا وابسته به امپریالیسم آمریکاست.

قربانی دیگر تو حش بی حجاب

بقیه از صفحه ۱

اینک، بیش از ۱۰ ماه است که به فرموده امپریالیسم، عاملان فعلی ارتجاع این فیلسوف انقلابی سپید موی را به بند کشید ه اند و از اعمال هیچ شکنجه روحی و جسمی ای در حق وی فرو گذار نکرد ه اند. همین چندی پیش بود که دست نوشته های ۱۴ اثر منتشر نشده ایسن شخصیت بی نیاز از توصیف را از بین بردند، در آب حل کردند و به صورت خمیر را آوردند تا از رسوخ اندیشه های علمی و فرهنگی مترقی در افکار دوستداران دانش و ادب واقعی جلو گیرند. آثار منتشر شده او نیز مدت ها ست که جزو کتاب های ممنوعه اعلام شده و از کتاب فروشی ها جمع آوری و به سرنوشت آثار چاپ نشده دچار آمده است.

تخصیقات و تهدیدات سردمداران ج.ا. تنها در این چارچوب محدود نمی شوه خانواده لوهر از چند گاهی مورد هجوم قرار می گیرند؛ دستگیر و در سلول های انفرادی محبوس می شوند. ج.ا. یکسره آرایش آزادی، سلامت و آفرینش را از وی و خانواده اش ربوده است. حکومت های مردمی، از چنین شخصیت های علمی، فلسفی و هنری ۰۰۰ به گونه ای دیگر و در "جائی دیگر" پذیرائی می کنند. آنان برای این مفاخر علم و ادب، امکانات کافی فراهم می آورند تا از استعداد ها، دانش و تجربیاتشان به سود شکوفائی علم و هنر و فرهنگ ملی و جهانی بهره گیرند و تقدیری در خور مقامشان به آنان عرضه می دارند. اما سردمداران ضد بشر، ضد دانش و ادب

ج.ا. تنها به تأمین حقوق فردی و اجتماعی این گونه شخصیتها، اعتنائی ندارند، بلکه خود وسایل اذیت و آزار، شکنجه، محو قیروکی و لطمات جبران ناپذیر به مغز او، به اندام تفکر، پژوهش، و آفرینش نبوغ آسای چنین شخصیت هائی که تنها گناه آنان اینست که با نظریات و عقاید آنان سر سازگاری ندارند فراهم می آورند و با بی شرمی و بی احساس ذره ای تأثر در برابر جهانیان به جنایات خود اعتراف نیز می کنند. جای این ظن هنوز باقیست که اعلام چنین خبری در رسانه های گروهی، خبرهای شوم تری را به دنبال خواهد داشت و پراکند آن، در چنین شرایطی، تنها با هدف زمینه سازی بسری اقدامات جنون آمیز آتی این ددمنشان صورت گرفته است.

ما، مردم آزاد یخواه ایران و جهان و همه کسانی که به طرق گوناگون، با این شخصیت پارس ظلمی، فلسفی، ادبی ۰۰۰ آشنا شد، مسئولیت مستقیم چنین فاجعه جبران ناپذیری را به عهده سردمداران ج.ا. کارگزاران و عوامل اجرایی آنان می دانیم و ایمان داریم روزی هم این انسان، کسانکی که زندگی

را در زندان خلاصه کرده اند، کسانی که دانشگاه شان، زندان، بیمارستانشان، زندان، محل پذیرایی شان، زندان، منطبق اقامتشان، زندان، محل تهذیبشان، زندان ۰۰۰ است باید در برابر تاریخ مردم ما و همه بشریت مترقی پاسخ گو باشند.

تحولات طبقاتی در

راه تو - برای آشنایی بیشتر خوانندگان محترم با تحولات طبقاتی در ایران در سلسله مقالاتی به شرح این موضوع پرداخته می شود.

فره شدن بورژوازی تجاری

بازاریان تهران و شهرهای بزرگ و کوچک ایران، از واردکنندگان بزرگ کالا به مثابه لایه‌ای از سرمایه‌داری وابسته، تا تجار متوسط و کوچک، در سال‌های پس از انقلاب و به ویژه پس از آغاز محاصره اقتصادی و جنگ تحمیلی و ادامه توسعه طلبانه آن، فارغ از هنسر بنسند و نظارتی، از محل استقاده وسیع ارز و اعتبار بانکی دولتی و واسطگی آمیخته به احتکار و گرانفروشی که به سرمت به قاعده رایج تبدیل شده، با چپاول همه جانبه مردم به انباشت کلان سرمایه پرداختند. آماره‌های محدودی که در دست است به خوبی نشان می‌دهد که انباشت سرمایه بورژوازی تجاری از محل ایر سود انحصاری و احتکاری و گرانفروشی در این سال‌ها، در تاریخ رشد سرمایه‌داری در ایران کم سابقه، و حتی بیسابقه بوده است.

تنها در یک سال نخست پس از انقلاب سود تجار بزرگ بیش از ۱۲۰ میلیارد تومان بود. بازاریان از این مبلغ تنها ۳/۵ میلیارد تومان (در حدود ۳٪) مالیات پرداخته بودند. (عزت‌الله سجادی رئیس سازمان برنامه و بودجه - مرداد ۵۹ - جراید)

سیاست اقتصادی دولت‌های مختلف بعد از انقلاب، موجب آن شده است، که تنها از محل بودجه دولتی، ۶۰۰ میلیارد تومان نقدینگی به کیسه بخش خصوصی واریز شود. (نماینده نجف‌آباد - آبان ۶۲ - کیهان)

این برجسته‌ترین شاخص تحولات اجتماعی - اقتصادی انقلاب بهمن، بازتاب گسترده اجتماعی داشته است:

"این دزدی‌ها... این گرانفروشی‌ها، این احتکارها، جنسی که در یک دکان به ده تومان بخری، مغازه دیگر پنجاه و صد تومان، یکی از این قالی فروش‌ها فروخته. بود نه به بی از دوستان، استفادای را که ما در این یک سال ۵۰۰ کردیم برابر بود با بیست سال قالی فروشی و فروش فروشی" (آیت‌الله صدوقی - ج ۱۰ - ۱۳ تیر ۶۲)

"عدمای پس از پیروزی، منافعشان به حدی بوده که در تمام دوران طاغوت به اندازه این چند سال سود نبرد ماند، ملا یک فردی را می‌شناسم که در عرض ۴ ماه حدود ۳۶ میلیون تومان عایدی داشته ۵۰۰" (آیت‌الله ملکوتی - امام جمعه تبریز - کیهان ۴ آبان ۶۱)

"میلیونها میلیارد در شد، این چگونه توزیعی است؟ در کدام ملکیت حتی سرمایه‌داری چنین آش‌شله قلم کاری وجود دارد" (عابدین زاده نماینده مخوی - اطلاعات ۱۲ اردیبهشت ۶۲)

هنگامی که دادستانی امور صنفی، در سال ۶۰ در جریان مبارزه با گرانفروشی با بازاریان بزرگ و وزارت بازرگانی درگیر شد، نمونه‌های جریه‌های چند ده میلیون تومانی گرانفروشان فروزان تر شد. ستاد پیگیری فرمان ۸ ماده‌ای، این دادستانی را به جرم تعقیب اهداف سیاسی "از اقدامات قضایی خویش، تصفیه کرد."

انتقال سرمایه تجاری به تولید وابسته مصرفی

بسیاری از تجار بزرگ، از رهگذر این غارت‌چنان سرمایه‌ای اندوختند که به زودی به طمع خرید و احداث کارخانه افتادند و در این راستا سرمایه‌گذاری کردند.

به ویژه سرمایه‌گذاری در صنایع سبک مصرفی، و اغلب وابسته مورد علاقه آنان بود: "آقای غلامعلی جعفرزاده یک سرمایه‌دار بزرگ است. قبل از سال ۱۳۵۹ طناب فروش بوده، لاکن با اخذ اعتبارات قابل توجهی از بانک ملی مرکز و بانک بازرگانی شعبه بازار آهنگران، اقدام به وارد کردن ماشین آلات صنعتی از ژاپن کرده و کارخانه‌ای، به ارزش تقریبی ۷۰ میلیارد تومان تأسیس نموده است. نکته‌ها جالب اینکه رقم ۳۴ میلیون تومان گرانفروشی شخص مورد نظر از طریق ۳۰ درصد تولیدات کارخانه یعنی پلاستیک آن هم در ۳ ماه بوده است و بقیه تولیدات وی

که طناب و نخ کشاورزی است وضعیت جداگانه دارد" (معاون دادستان صنفی - اطلاعات ۱۰ بهمن ۶۱)

"عدمای تاجر هستند که می‌خواهند مثلا کارخانه نوشابه سازی تأسیس یعنی مواد اولیه را وارد کرده و راحت آن را بفروشند" (وزیر صنایع - صبر آزادگان - ۳۰ دی ۶۱)

فشار بازاریان برای خرید کارخانه‌های دولتی تا حدی بود که این مسئل یکی از مسایل مهم اقتصادی و سیاسی تبدیل شد. موافقان واگذاری کارخ دولتی به بازاریان می‌گفتند:

"از این راه مقدار زیادی از پول‌های سرگردان جامعه که در دست داران است، و صرف واسطه‌گری و خرید و فروش کالا و نهایت موجب گرانی، تروم می‌شود، به جیب دولت می‌رود... فایده دیگرش این است که این کارخ که الان از ضعف مدیریت در رنج هستند، صاحب‌مدیران دلسوزی شوند و توان کارخانجات را بالا ببرند" (مرتضی النوری - صاحب‌با نشریه جهاد ساز، ۵ خرداد ۶۱)

آنچه که در پاسخ گفته می‌شد گرایش واقعی سرمایه‌تجاری را تصویر می‌کرد "کسانی که این حرفها را می‌زنند به دنبال صنایع خسرو ده نیستند، به دنبال صنایع سود ده هستند. من امید دارم که هرگز مسایلی قبل از انقلاب نشود، که کسانی بتوانند با پول بانک‌ها یعنی پول مردم و بیت‌المال به ثروت کلان دست یابند و حقوق مردم را ضایع کنند" (شافعی - مدیر عامل سازمان صنایع ملی - کیهان ۲۳ دی ۶۱)

افزایش قدرت اقتصادی بازار در شهرهای بزرگ کشور، نفوذ و اعتبار سیاسی د ولت‌مردان و سیاستمداران بازاری و روحانیون وابسته به آنها را افزایش داد، این خود به تمرکز بازرگانی داخلی و خارجی، در دست‌های بازاریان افزون (داخلی حزب توده - ایران - اسفند ۱۳۶۱)

فریبی روز افزون و انباشت کم سابقه سرمایه در شرایط محاصره امپریالیست جنگ خائمانسوز و کاهش عرضه کالاها و رواج بازار احتکار گرانفروشی منحص سرمایه‌داری بزرگ و متوسط تجاری نبود. سرمایه‌داران کوچک و لایه‌های بالای کسبه و پیشموران نیز در این شرایط سود کلانی بردند. به جرأت می‌توان گفت همه کسانی که در تولید و توزیع دستی داشتند و حجم سرمایه و اعتبار مالی و دولتی، به آنان اجازه می‌داد، که سهم اصلی را از ایر سود انحصاری و احتکار این سالها از آن خود کنند، در این چند ساله سرمایه‌های کلان اندوختند. تا آن که گرایش به حفظ وضع موجود، غارت بی‌بند و بار آزاد و فارغ از هرگونه نظارت دولت و مردم، مجموعه گرایشهای ضد امپریالیستی و مترقی بسیاری از سرمایه‌های کوچک و کسبه و پیشه‌وران مرفه را در سایه قرار داد. انباشت کم سابقه سرمایه این لایه‌ها، محل مادی گرایش به سازش با نظام زمین داری و سرمایه‌داری وابسته شد.

نقش ممتاز و رهبری کننده بازاریان پیرو آیت‌الله خمینی: در روند غارت سازمان یافته بازاریان، گروه بازاریان پیرو آیت‌الله خمینی نسبت به مجموعه بورژوازی تجاری از امکانات ویژه‌ای برای ثروت‌اندوزی برخوردار بودند. این گروه از ابیت انقلاب در مدیریت دولتی اقتصاد کشور، نقش اصلی داشتند، و از سال ۶۰ وزارت بازرگانی و ادارات تابعه آن را قبضه کردند. از سوی دیگر، این گروه، بد پیروزی انقلاب مسئول سازماندهی اصناف و بازاریان بودند، و از این طریق تدریج توانستند، توده بازاریان را تحت رهبری خویش سازمان یابند، و رقبت اقتصادی را از صحنه برانند.

مهم‌ترین ارگان سازمان دهنده در بازار از پیروزی انقلاب تا کنون "کمیته امور صنفی" بوده است:

"در اوایل انقلاب احساس شد وضع بازار در اختیار حزب الله باید قرار گیرد از نظر مسایلی سیاسی... لذا محوری برای این حرکت ایجاد شد و آقای انواری طرف حضرت امام تعیین شدند که این محور را ایجاد کنند و جانشین همان حرکت‌های ارتباطی اصناف باشد که در سابق به نام اتاق اصناف بوده و مشکلات اصناف در ابتدای انقلاب زیاد بود و بعدا این مشکلات هم به نحوی حل شد و این ارگان سپرده شد" (دفاعیات خاموشی - ۲۵ فروردین ۶۲ - کیهان ۵)

"در تهران ۶۰۰ هزار واحد صنفی وجود دارد که ۲۰۰ هزار آن بدون بهره هستند" (حاج سمیدامانی - عضو کمیته امور صنفی - ج ۱۰ - ۲۵ مرداد ۶۱)

واگذاری سهمیه توزیع و دادن پروانه کسب به این اصناف، مشروط به تشکیل

ایران در انقلاب بهمن

بخش دوم

سیاست گذاری صادرات را به عهده گرفته، و وارد کنندگان کنترل توزیع و ستاد مبارزه با گرانفروشی را، عهده دار شده اند؟ آیا صحت دارد که ایثار بگویند که حساب شده عمل می کنند که اگر یکی از آنان را از بنیاد مستضعفان کنار گذاشتند به بنیاد مهاجرین می رود و دیگری را از بنیاد مهاجرین کنار می گذارند به وزارت بازرگانی راه پیدا می کند؟ چه شده است که امروز فریاد و اسلام ققاهتی از حجره های پر زرق و برقی که با یک تلفن میلیون ها ریال به جیب می زنند بلند شده است؟ آیا فکر کرد ماید که ممکن است کاسه ای زیر نیم کاسه باشد (عبدالواحد موسوی - نماینده لار - ۱۶ خرداد ۶۲).

آیت الله خمینی و پیروانش، به ویژه برای کنترل بازار و استفاده سیاسی از نیروی آن، دست بازاریان " پیرو آیت الله خمینی " را کاملاً باز می گذاشتند. در جریان سرنگونی بنی صدر این گروه نقش اصلی را در متزوی کردن طرفداران لیبرال ها در بازار ایفا کرد. خاموشی معروف در شرح " خدمات " خود می گفت:

" کمیته امور صنفی * در کارهای سیاسی بسیار موفق بوده است، تا آن حدی که در عدم صلاحیت مرجعیت شریعت داری یا اعتصاب سراسری این مسأله را تثبیت کرد و حمایت از روحانیت نمود، به این صورت از آن اتاق اصناف سابق به این وضع موجود رسید " (دفاعیات خاموشی در مجلس - کیهان - ۲۵ فروردین ۶۲).

با افزایش قدرت و نفوذ اقتصادی و سیاسی قبیله تجارها، آنان از قالب عوامل اجرایی پدید آمدند، و خود به یکی از قطب های اصلی قدرت و سیاست سازان مده و حکومتگران واقعی، تبدیل شد ندکه نقش صدای درب ساز سازی سرمایه - داری وابسته به امپریالیسم به عهده گرفتند.

نقش بورژوازی تجاری در بازسازی وابستگی به امپریالیسم

کنترل صادرات و واردات کشور، ارتباطات بازاریان بزرگ، به ویژه پیروان آیت الله خمینی را با محافل امپریالیستی گسترش داد. تهرانی که پیش از این به بازی گرفته نمی شدند، اینک نور چشم و سوگلی سفارت خانه ها و وابسته های اقتصادی، و انحصارات امپریالیستی بودند (تحلیل داخلی حزب توده - ایران - اسفند ۱۳۶۱) شبکه نمایندگی های اقتصادی آنان به زودی در پایتخت ها و شهرهای مهم دول امپریالیستی گسترش پیدا کرد. این ارتباطات با پیروان سیاسی گسترده بازاریان با محافل سیاسی امپریالیستی نیز شد. از طریق این روابط نه تنها معاملات کلان اقتصادی، بلکه معاملات تنگین سیاسی نیز انجام می شد. نمایندگان سیاسی بورژوازی تجاری، به ویژه خواستار توسعه همه جانبه واردات کالاها از کشورهای امپریالیستی بودند. عسگر اولادی، وزیر بازرگانی پیشین، واضح نظریه " پیسج تریق " بود. بنا بر این نظریه بحران اقتصادی حاکم بر کشور تنها از راه گشودن هر چه بیشتر پیچ تریق کالاهای امپریالیستی قابل حل است.

امروز بیش از بیست میلیارد دلار از ۲۳ میلیارد دلار واردات ایران - به جز واردات اسلحه - از کشورهای امپریالیستی تأمین می شود و حجم تبادل کالا با کشورهای سوسیالیستی و سایر کشورهای مرفقی از زمان شاه نیز کمتر است.

اما دامنه روند نسازی وابستگی به امپریالیسم از سوی بازاریان، تنها به عرصه تجاری محدود نمی شود. بازاریان بزرگ در سرمایه گذاری صنعتی نیز - چنانکه نمونه های کارخانه های موتاز و سایل پلاستیکی و نوشابه سازی که پیش از این آورد شد و نشان می دهد - عرصه صنایع صرفی سیک و وابستگی آفرین را ترجیح می دهند.

از جمله به این دلیل است که آنان خواستار حفظ و ترمیم مجموعه اقتصاد وابسته موجود کشور هستند. در آمیختن سرمایه تجاری با بقایای سرمایه وابسته نیز این روند را تقویت می کند. بازاریان پیرو آیت الله خمینی، که در نخستین سال های انقلاب، با محافل امپریالیستی سرسنگین بودند، و در برابر سرمایه داری وابسته که با انحصار اعتبارات کلان دولتی و بانکی و نظارت و کنترل بوروکراتیک بر آنان ستم روا می داشت می ایستادند، اینک که در حفظ نظام سرمایه داری وابسته دینفع شدند و رهبری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن - ستاد رهبری سرمایه داری ایران - را نیز به عهده دارند، حتی نقش وکیل مدافع سرمایه داران وابسته را نیز به عهده می گیرند.

پس از فرمان ۸ ماده ای آیت الله خمینی " حالا دیگر یک نفر استنادار، اگر تابع فرمان باشد، جرات نخواه. کرد مثلاً یکی از اعضای اتاق را به این بهانه که بقیه در صفحه ۱۴

نادهای صنفی جدید، و به ویژه طرد افراد نامطلوب " از مدیریت اتحادیه ها (سعیدامانی - همانجا) - به این ترتیب نفوذ سیاسی و مذهبی آیت الله ینی با فشار اقتصادی بازاریان بزرگ ترکیب شد و توده اصناف تهران و شهرساز بزرگ ایران، ظرف مدت کوتاهی تحت رهبری بازاریان پیرو آیت الله خمینی نقیبه التجارها - به شیوه ای مشکل شدند که کمترین اعتراض نسبت به فشارگری کلان و انحصاری آنان از سوی توده اصناف، به آسانی قابل سرکوب باشد.

بازاریان پیرو آیت الله خمینی، به زودی از موفقیت ویژه خویش برای تشکیل نادهای سرمایه داران بزرگ تحت عنوان " تعاونی های توزیع " و واگذاری نصاب توزیع کالاهای وارداتی و داخلی به وسیله وزارت بازرگانی به آنان استفاده مند. بخش اصلی این کالاها به قیمت های چند برابر در بازار سیاه به فروش رسد.

به این ترتیب مجموعه وزارت بازرگانی - کمیته امور صنفی نوعی انحصار سرمایه - ری دولتی به وجود آوردند که بر سید انحصاری حاصل از آن به طور عده نصیب ایران پیرو آیت الله خمینی می شد. سازمانهای دیگری چون سازمان نیمه لتی " بنیاد مستضعفان " و شرکت سهامی " سازمان اقتصاد اسلامی " (بسه پرستی شفیعی - پور سهامی - کاشانی) که از ابتدای پیروزی انقلاب بسیاری

دات عده کالا تشکیل شده بود و از پشتیبانی دولتی نیز برخوردار بود و نیز صندوق های قرض الحسنه " که به طور عده تحت اختیار این گروه بود، ایسار سرمایه داری دولتی را تقویت و تحکیم می کردند.

چنین است نقش اقتصادی واقعی کسانی که در باره آنان گفتند:

" امروز هم بسیاری از این ها در کارهای انقلابی هستند و مجانی خدمت کنند، مغازه شان کار خودشان را انجام می دهد " (هاشمی رفسنجانی - نمایان - جم - کیهان هوایی ۱۳ مرداد ۶۲).

یکی دیگر از ثمرات این " خدمات مجانی " افتضاحات " بنیاد مستضعفان " است. ستین سرپرست بنیاد مستضعفان - بنگاه نیمه دولتی که مجموع دارایی - از بسیاری از کشورهای " جهان سوم " بیشتر است - مهندس خاموشی - در خاموشی معسرورف بود - در زمان او سو استفاده بازاریان از بنیاد به رت حیف و میل اموال، و به ویژه معاملات کلان و مشکوک یا گروه فوق به حدی ید که حتی آیت الله خمینی گفت " شنید نام که بنیاد مستضعفان، بنیاد مستگیران ه. است " سرپرست بعدی اعلام کرد:

" ریخت و پاش هایی در زمینه اموال مختلف از جمله جواهرات و عتیقه جوات ملق بوده است " (کریمی نوری - ۲۰ مهر ۶۱).

این " ریخت و پاشها " در حدی بود که کمیسیون تحقیق ۸۰۰ پرونده اختلاس سو استفاده تشکیل داد. این پرونده ها بعد ها به فراموشخانه رفتند. برای یاد شرایط مناسب جهت سو استفاده از بنیاد، به عمد، وضعی به وجود آمده است که هنوز پس از ۵ سال کار حسابرسی بنیاد به پایان نرسیده است:

" با تشکیل دفتر برنامه ریزی در بنیاد کار جمع آوری آمار از دارایی ها و اانات در حدود ۱۰۰۰ شرکت، خطوط حمل و نقل زمینی و دریایی، کارخانه سه ۳۰۷ کارخانه، از جمله ۱۰۰ کارخانه بزرگ (مزرعه، پیمانرستان، مرفسرداری، یداری، سینما، اسلک و مستخلات (۱۰۰ هزار خانه و آپارتمان و هتل) و غیره از جمله گنجی از جواهرات و عتیقه جات و قالی ها و تابلوهای نفیس) آغاز شده است " (طباطبایی - آخرین سرپرست بنیاد - اطلاعات - ۵ خرداد ۶۲).

امروز نیز بازاریان، پست های کلیدی را در " بنیاد مستضعفان " در اختیار رند. از جمله حاج رفیق دوست، با فروش بزرگ تهران، مسئول بخش کشاورزی باقداری بنیاد است. حاج ماشاء الله کاشانی، (ماشاء الله قصاب، مزدور و نتجه گر معروف) نیز مسئول بخش دامپروری آن است! نقش انحصاری گروه بازاریان پیرو آیت الله خمینی در کنترل اقتصاد کشور، امروز زیان زده خاص و عام است:

" چند اتحادیه ساختگی و معلوم الحال، صادرات ملکت را به دست گرفته و تهیه بخشنا همند و مقررات نامتناسب با انقلاب، توسط عوامل خود راه صادرات و دات را بر دیگران بستند. آیا دولت متوجه این حقیقت است که عسدهای بدود، وزارت بازرگانی، اتاق بازرگانی، بنیاد مستضعفان، اتحادیه های مختلف ادركنندگان، بنیاد مهاجرین جنگی و چندین سازمان و نهاد اقتصادی دیگر را نه کرده و امر به گونه ای است که صادر کننده خود به طور مستقیم کنترل صادرات

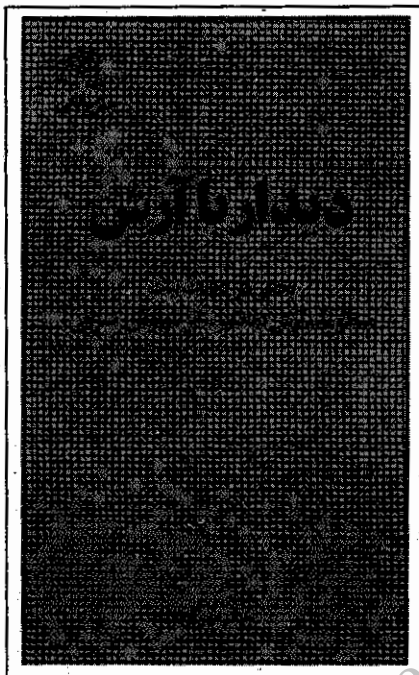
«آرش کمانگیر، کسرایی، به روایت حیدر مهرگان»

برای کسانی که هنر و ادبیات نه نغز، بل ضرورتی است؛ برای کسانی که در این اثر هنری نه تجرید محض، نه ذهنیات نامأنوس "آفریننده" آن، بل بازنمایی از عین در تغییر را جستجو می کنند و برای کسانی که میان هنر و زندگی و مبارزه فاصلهای نمی بینند، "آرش" و سراینده "آن کسرایی، شعر و شاعری آشناست. این آشنایی اگر حتی به قدر شناخت هم قد بکشد، باز هم دیدار با آرش، نقدی که حیدر مهرگان بر منظومه "آرش کمانگیر" نوشته ارزش تکرار نشدنی خود را حفظ می کند. این ارزش نه از آن جهت که مهرگان، واقعیت غالب آمده برافسانه آرش را آشکار می سازد؛ نه به این دلیل که روح مشتعل و بی تاب خانه کرده در این قالب روزبه - را می نمایاند؛ نه از آن رو که از چهره نمادها حجاب بر می گیرد، بلکه افزون بر تمامی اینها بدان سبب که چند سوگی تعابیر و مفاهیم در این نقد، در آمیزش دوار برانگیز مقولات علمی و فلسفی و جامعه شناسانه محسوس می خورد. قابل تأمل و تقدیر است.

مهرگان با کلیدی به گشودن این قفل همت می گمارد که کمتر کسی پیش از او، آن را به خدمت گرفته: دیالک تیک، و از همین روست که زیر عنوان "دیدار با آرش"، با "بحثی در دیالک تیک منظومه آرش کمانگیر" مشخص می شود. مهرگان، در آغاز سخن از جای بی بدیل "شاعر بزرگ" در تاریخ حرکت می کند و در بازگشتی به گذشته فرهنگ سزمین خود، طبعی احکامش را به رخ می کشد: در آن ها هیچ چون و چرائی نیست:

"شاعران بزرگ، در عین حال برتری مورخان زمانه اند. آنجا که تاریخ نویسان متوقف می شوند، شاعران آغاز می کنند. تاریخ، روایت انسان در درون طبیعت است. شعر، اما سیر و سلوک تاریخ در درون انسان است. چنین است که دیالک تیک شعر و تاریخ که از دو نقطه مقابل به راه می افتند در وجود انسان یکدیگر را ملاقات می کنند.

"چه مورخی بهتر از حافظ از روح دوران خود عصاره ساخت و زندگی را آنچنان عین و آکنده از ظرفیت حفر کرد؟ حافظ هم چهره انسان مجرد و هم چهره های پر شمار انسان مشخص زمانه خود را با بلاغت نیرومندی تصویر کرد. از یک سو در وجود "شاه محتسب" و "صوفیان ریاکار" و "زاهدان عبوس خشم شکن" که "لاف صلاح" می زدند، ناراستی کار" و "غدر اهل روزگار" را روی دایره ریخت و در روشنایی تلخ "آتشی که در خرقة سالوس" افکند، بطلان و میث محیط بی رحم خود را ثبت کرد، و از دیگر سو، در هیأت قلندر "آزاد از هر چه رنگ تعلق پذیرد" و به بهانه "خراباتی گری" علیه تعصب و خرافه و



افسانه پرستی، به شورش و شبخون رندانمای دست زد و صورتی آرمانی بر فراز همه ایمن صورتک ها، از "انسان حداکثر" دوره خود نشان داد. او در "ظلمات" و "شطحاتی" که تلقیاتی قشری آن را کفر آمیز و مواظ السلاطین و "بیمه خواران" درشت مدعا "غرقة در ارتدادی خون آلود می یافتند، جنگ بسی - پروای تن به تن با "مذعیان" و "نامحرمان" را به سطح فلسفی و تجربیدی خیره کننده های تعالی داد، که نه فقط روز، روزگار را شخم زد. "معجون جادویی حافظ با این خواص، در قلب دیگر سوداها، عشق ها، تمنیات و آرزو های خاکستر شده انسان فرزانه ای که در خانه خوش بیگانه است، زوال تاریخ موریانه خورده ای را که در حال تخمیر و انحطاط باطنی بود و انسان اسیر در این تاریخ ولهمیده در زیر آوار آن را تعبیر کرد. بدینسان شعری جغرافیای انسان عصر شد و طبل و عرض جان و نهان این انسان را در مرمر خود جاری کرد.

"چنین شجری در رنگین کمائی از حس و لفظ و تجربه قوام یافته، در وجود سعدی نماینده کامل یک شهر فتووالی ایران" در سده های میانه را معرفی می کند و در طرح ساده و عامیانه "موش و گربه" می عبید زاکانی خود - نعائی مذهبی و ماهیت قدرت های ضد مردمی را به سخره می گیرد و با کشاندن هنرل تا سطح "ذم اجتماعی زور مندان" جدی ترین واقعیت های جامعه را برهنه می کند.

"شعری با این سرشت، فقط روایت گر ساده و دوره گردی در یک گوشه" تاریخ نیست. نیرویی است که میزان درک شدن و جذب شدن، به

نیروی مادی می شود و در تغییر تاریخ با کار می آید. او هم حدیث کننده و وفادار تاریخ هم ویرانگر حدیث نویسن است. هم در ویرانسی تاریخ شرکت می کند و هم در آفرینش دوباره آن. او سایه نازد و دنی انسان، شعائر و رنج های او در، روی زمین است ولی می تواند مسلاک استحقاق او هم باشد. رد پای این غول بی عضله در میهن ما با شعر رودکی که زیر سقف سربری و کوتاه زمانه خود، عدالت مفقود شده را استغاشه می کرد و نوید آن را از خداوند گارانی که "نمی دانند، اما می توانند" می طلبید، آغاز می - شود و تا دفتر های سیاوش کسرایی ادامه می - یابد. کسرایی آخرین وارث این سلاله رنج و دشت و مزده است، بی آن که از همزاد انسی همتای خود - و نه به عرض شانه های خود - بی - نصیب باشد. او شاعر تاریخ است، اما نه فقط تاریخی که روی داده است، بلکه شاعر آن تاریخی که باید روی دهد.

مهرگان، سپس به معنای شعر می پردازد، و جوهر آن را از اندیشه هگل به تعبیر "پاز" پیوند می زند، گستردگی بی حد و مرز و بی نباید آن را در عین حال "بستگی و بیوستگی آن با جان جهان و روان کوچک و خیابان بودشت و کوه و صحرا" رسم می کند و سیمای کریهه منتقد های جنت مکانی که در روزگار طاغوت یکپارچه برای مثله کردن "آرش و هنر متعهد" رنگین نامه های هنری و غیر هنری مجاز را عرصه شلتاق های خود ساخته بودند، می نمایاند و سرانجام:

"آرش که بود؟ این تندر از پیشانی کدام کوه سرزد؟ چرا آمد؟ چه کسی خرقة اسطوره به دوش او انداخت؟ کدام سینه او را آواز کرد؟"

و با آوای واژه های شعر کسرایی پاسخ می - دهد:

"فرزندی از سلاله کار"، "تناسخی مادی و قابل رویت... که از کالبد افسانه در سرگذشت روزبه می ریزد و از درون گور روزبه، زندگی از بی حسی حزب او را در آغوش می کشد و سرانجام در جسم واژه ها، خود نیرو و هجوم می شود و در زندان ها و شکنجه گاه ها، در غربت و تبعید، در برگ ریزان ایملان و کسوف عشق و زیبایی، با سرود و فلز برمی خیزد، لبخند می زند، نوازش می کند، دل داری می دهد، مرهم می گذارد و جسارت و استقامت می بخشد. این آرش، هنوز راه می رود و آواز می خواند، نه فقط یادها، افسانه، نه فقط با پای روزبه، نه فقط در شب و خاطره مردگان..."

مهرگان برای رسیدن به این گرگاه، هم بر منظومه "آرش، هم بر تاریخ و جامعه و... بقیه در صفحه ۱۶

روزی که شاه در رفت

۲۶ دی ماه پنج سال پیش، روزنامه‌های ایران با درشت‌ترین حروف این مژده را به خلق دادند: شاه در رفت! موج شادمانی شهرها را فرا گرفت، مردمی که تا صبح همان روز دسته دسته، در خیابانها به دست درخیمان شاه تیرباران می‌شدند، به رقص درآمدند. جشن عظیم شادی به راه افتاد، مردم سوار بر کامیون‌ها و تریلی‌ها از خیابانها می‌گذشتند و گروه گروه می‌رقصیدند. هر لحظه هزاران برگ سفید چون کبوتران در آسمان می‌چرخیدند. بسر روی آنها نوشته شده بود، سلام آزادی! رهگذران غریبه، یکدیگر را در آغوش می‌گرفتند و فریاد می‌

ایران به بهای فداکاری‌ها، قربانیها و قهرمانی‌های کم نظیر به بخشی از آمال و آرزوهای خود تحقق بخشیدند. اما طولی نکشید که رهبران ج ۱۰ بار دیگر شرایط بازگشت به دوران سابق را در ابعاد گسترده تر فراهم آوردند. امروز پنج سال از آن روز می‌گذرد و بار دیگر سرمایه‌داران وابسته و زمین‌داران بزرگ بر مردم حکم می‌رانند. ساواک تجدید سازمان شده و به همراه دیگر ارگانهای سرکوبگر، هرگونه صدای آزادی خواهانه‌ای را در گلو خفه می‌کنند، انقلاب ضد امپریالیستی، ضد استبداد و دیکتاتیک مردم به وسیله سردمداران ج ۱۰، به



زند، آزادی مبارک! و از شادی می‌گریستند. عابریان به یکدیگر می‌نگریستند و با چشمی گریان و لبی خندان به هم تیریک می‌گفتند. مردم در خیابانها می‌رقصیدند و دو انگشت خود را به علامت پیروزی نشان می‌دادند. روز ۱۶ دی ماه، وقتی حکومت نظامی از هاری، بعد از دو ماه کشتار بی‌امان توده‌ها، در خون هزاران شهید خفه شد، تنها جسد متعفن شاه بر دستهای خونی آمریکا باقی مانده بود. سرده تاجداری که بر دریائی از خون می‌خواست تخت سلطنت خود را حفظ کند، دیگر به کار نمی‌آمد. جنازه شاه باید به زلزله دان تاریخ پرتاب می‌شد. امروز پنج سال از آن روز می‌گذرد. مردم

استبداد قرون وسطائی برای احیای نظام سرمایه‌داری وابسته می‌انجامد. امروز پس از گذشت ۵ سال، حزب توده ایران، دیگر سازمانهای ضد امپریالیست و افسران میهن دوستی که مردم را به قیام همگانی علیه رژیم مستبد پهلوی فراخواندند برصندلی اتهام نشاندند می‌شوند و به "جرم" مبارزه بیگانه برای خواستهای برحق مردم زحمتکش یعنی استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی محاکمه می‌شوند. ما اعتقاد راسخ داریم که مردم میهن ما بنابر دیگر پاسخ دندان شکنی به سرکوبگران و دشمنان زحمتکشان خواهند داد و ابرهائی تیره و تاری که آسمان میهن ما را پوشانده، بجای خود را به آفتاب استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی خواهد داد!

موج پشتیبانی

بقیه از صفحه ۳

نظامی در بسته علیه افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران اعتراض نموده بود. از خواست محافل دمکرات، مبتنی بر تشکیل جلسات دادگاه به صورت علنی و با شرکت ناظران بین المللی و آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی، پشتیبانی کرده است.

● سازمانهای زیر طی انتشار بیانیه‌ها و ارسال نامه‌ها و مخابره تلگرامهای اعتراضی به مقامات مسئول ج ۱۰، محاکمه میهن دوستان و فعالین حزب توده ایران را در بیدادگاه‌های نظامی محکوم دانسته، رعایت حقوق ابتدائی متهمان و کلیه زندانیان را خواستار گردید. اتحادیه دانشجویان مارکسیست در کلن و آخن انجمن دانشجویان دانشگاه هانور نمایندگان دانشجویان رشته‌های الکترونیک و تعلیم و تربیت دانشگاه آخن.

● در مراسمی که "کمیته همبستگی با ایران در اولدنبورگ، روز دوم دسامبر (۱۱ آذر)، به منظور جلب پشتیبانی هر چه وسیع تر نیروهای مترقی شهر با زندانیان دمکرات ایران برپا کرد، چند صد تن از آزادی خواهان آلمانی و خارجی شرکت داشتند. آنان پس از آنکه در جریان اهداف کمیته و آخرین رویدادهای ایران قسار گرفتند، حمایت بی دریغ خود را از زندانیان توده‌های و سایر دمکراتهای در بند اعلام و آزادی آنان و رفع فوری تظلمات در مورد کلیه مبارزین ضد امپریالیست را خواستار گردیدند.

سوئد

کمیته اجرائی مرکزی اتحادیه کارگران تسلاچی و جید، طی برگزاری جلسه مجمع عمومی، به تشریح رویدادهای اخیر ایران و جنایات حکومت ج ۱۰، در حق زندانیان توده‌های پرداخت و حاضرین، به اتفاق آراء، قطعنامه‌ای در زمینه محکوم کردن این اعمال صادر کرد. در این قطعنامه از جملیه خواستهای زیرین مطرح گردید است:

- ۱- پایان دادن به سرکوب حزب توده ایران
 - ۲- انتشار لیست زندانیان توده‌های
 - ۳- برگزاری دادگاه‌های علنی برای "متهمین" با شرکت ناظران بین المللی
 - ۴- بررسی وضع زندانیان، توسط هیئت مرکزی از پزشکان و حقوق دانان و خبرنگاران
- شرکت کنندگان در جلسه، همچنین به منظور گرمی داشت خاطره اعضای حزب که در اثر شکنجه‌های وحشیانه در زندانهای ج ۱۰ به شهادت رسید هاند، ۳ دقیقه سکوت کردند.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

در هفته‌ای که گذشت:

توطئه‌ها و تدارکات جنگی آمریکا در منطقه

در پی دیدار چندی پیش شارون از آمریکا و مذاکره در باره عقد يك پیمان استراتژیکی، در روزهای اخیر يك هیئت اسرائیلی به آمریکا سفر کرد و طرح شارون را برای این همکاری استراتژیکی با ایالات متحده آمریکا تکمیل نمود. هدف این پیمان قبل از هر چیز تقسیم کار دراز مدت بین امپریالیسم آمریکا و صهیونیست های اسرائیلی برای سرکوب جنبش های آزادی بخش و دولت های مترقی و مستقل منطقه است! از این رو، اسرائیل، با کمک های گسترده نظامی آمریکا، در منطقه خاور نزدیک و میانه به بزرگترین قدرت نظامی تبدیل شده و نقش نیروی ضربتی آمریکا را علیه کشورهای مستقل و ملی و جنبشهای رهایی بخش در منطقه ایفا می نماید.

گسترش دامنه تجاوزات اسرائیل به خاک لبنان، زیر آتش گرفتن مداوم مواضع رزمندگان فلسطینی و تدارک حمله به سوریه نخستین بازتاب این پیمان در سیاست تجاوزکارانه و توسعه طلبانه آمریکا و اسرائیل است.

امپریالیسم آمریکا از اسرائیل چون چماقی بزرگ برای حفظ منافع غارتگرانه خود و تمام دنیای امپریالیستی استفاده می کند و بدین جهت تأمین برتری استراتژیک اسرائیل بر اعراب در هر زمان و در هر شرایط، مهم ترین هدف سیاست خارجی آمریکا در منطقه است! امپریالیسم آمریکا به موازات همکاری استراتژیک با اسرائیل و دیگر دول مرتجع عرب به تدارکات جنگی گسترده نیز توسعه می دهد.

بار دیگر از سخنان رهبران ج.ا. بوی خون به مشام می رسد!

در شرایطی که محافل گوناگون بین المللی هم صدا با مردم ایران، خواهان پایان دادن به جنگ خانمانسوز و ویرانگر ایران و عراق هستند، رهبران ج.ا. هم چنان بر سیاست توسعه طلبانه و لشکرکشی های پایان ناپذیر و بدفرجام خود پافشاری می کنند. چند روز پیش روزنامه ج.ا. اطلاع داد که:

" ارتش ج.ا. خود را برای حمله جدیدی به عراق آماده می کند."

و ادامه می دهد که:

" هزاران نفر از افراد ارتش ایران در مرزها مستقر شده و خود را برای حمله نهایی به

عراق آماده می سازند."

روزنامه ج.ا. همچنین می افزاید:

هزاران نفر خود را به جنوب رساندند تا

آخرین ضربه را به صدام وارد آورند."

از سوی دیگر حجت الاسلام رفسنجانی طی

سخنانی تهدید کرده که برای رسیدن به مقصود

نهایی و آوردن ضربه نهایی بر صدام حسین،

ما لوله نفت عراق به ترکیه را نیز، هدف قرار

می دهیم.

از صحبت های حکام ج.ا. چنین استنباط

می شود که آنها برای این عملیات ارزش ویژه ای

قائل اند. در این رابطه آقای خامنه ای در

دیدار با اعضای کمیسیون اسرای عراقی در ۲۲

دی ماه می گوید:

" ج.ا. با فراهم آوردن امکانات،

تصمیم نهایی خود را در مورد آینده رژیم کنونی

عراق گرفته است و برای اجرای آن آمادگی کامل

دارد."

آقای رفسنجانی برای رسیدن به این هدف

نهایی به صراحت در نماز جمعه می گوید:

" ما آرزومند روزی هستیم که بوی باروت ما

به خانه های بغداد برسد."

حاکمان ج.ا. سرنوشته و آینده خود

را با دست یافتن به يك پیروزی نظامی در جنگ

گره زده اند، این بار نیز تدارک عظیمی برای

قربانی کردن هزاران نفر از زحمتکشان میهن

ما دیده اند، در جهت اجرای سیاست های

دیوانه وار و عظمت طلبانه خود از فدا کردن جان

و مال و هستی مردم محروم ما ایثی ندارند. زیرا

بقای چند روز بیشتر حاکمیت خود را تنها در این

گونه اقدامات خونین، ویرانی آور و هستی بر باد

ده می بینند.

احیای سنتوبه ابتکار ج.ا.

در روزهای گذشته رهبران ج.ا. يك گام

بلند دیگر علیه منافع مردم و استقلال ملی ایران

برداشتند و چنانکه خبرگزاری آمریکایی آسو-

شیتد پرس با اظهار رضایت مندی فوق العاده ای

خبر داد:

" پیمان همکاری منطقه ای برای عمران "

که شعبه ای از پیمان نظامی سنتو است، تجدید

فعالیت خود را به ابتکار ایران آغاز کرد. به

گزارش همین خبرگزاری نماینده ترکیه، کشور عضو

پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) دبیر اول این

پیمان جدید منعقد بین ایران و ترکیه است! به

طوری که می دانید، پیمان همکاری منطقه ای برای

عمران در بهار سال ۱۳۴۳ با توصیه امپریالیسم

آمریکا در ارتباط با پیمان سنتو تشکیل گردید. این پیمان از همان سه کشور عضو پیمان نظامی سنتو در منطقه، یعنی ایران، ترکیه و پاکستان تشکیل شد و گویا به منظور همکاری های منطقه ای برای عمران تشکیل یافته است. اما متکثرین پیمان امپریالیستی این پیمان ازید و تشکیل آن هدف کاملاً دیگری را دنبال می کردند.

امپریالیسم آمریکا با شرکت فعال شاه مخلوع، برای جلب کشورهای جدیدی به پیمان نظامی امپریالیستی به تشکیل این پیمان دست زد، تا شاید بتواند از این راه کشورهای دیگر منطقه را به نحوی از انحاء به پیمان نظامی سنتو پیوند دهد و سیاست نو استعماری نظامی گری و سابقه تسلیحاتی را بر آنان تحمیل کند. تلاش رهبران ج.ا. برای احیای پیمان سنتو يك عمل عمیقانه ملی است که در حکم بر باد دادن یکی دیگر از دستاوردهای بزرگ انقلاب ضد امپریالیستی ۲۲ بهمن است.

این پیمان بر اصل وحدت منافع رژیم های وابسته و ضد ملی ایران و ترکیه و پاکستان پاکستان کشورهای امپریالیستی (آمریکا و انگلستان) برای حفظ و حراست از منافع امپریالیستها در منطقه و همکاری در مبارزه با " خطر کمونیسم " بنا شده بود و اکنون نیز علت احیای مجدد آن را باید به خاطر همین منافع مشترک ارزیابی کرد.

امروز نیز رهبران ج.ا. که با زمام داران امپریالیسم و ارتجاع بین المللی به سرکردگی آمریکا زبان مشترک یافته اند درصدد تجدید اشتی ناپذیر میان منافع امپریالیسم و منافع ملی ایران را به نام مبارزه با کمونیسم و در حقیقت مبارزه با اتحاد شوروی روی کاغذ با هم آشتی دهند. البته بین سرمایه داران وابسته و زمین داران بزرگ ایران که رژیم ج.ا. سنگنگوی آنان است پیمان امپریالیستهای آمریکا و انگلیس و رژیم های مرتجع چون ترکیه و پاکستان اشتراک منافع وجود دارد، اما آنان به هیچ وجه نه با زور و نه با تبلیغات دروغ نمی توانند این منافع را به جای منافع مردم ایران جا بزنند.

زبان هائی که صیقل داده شده است سنتو به پیمان " خطر کمونیسم " در تمام قلمروهای اقتصادی، نظامی و سیاسی بر ایران وارد کرده است، بر هیچ کس پوشیده نیست.

سیاست های رژیم های ترکیه و پاکستان هم پیمانان ج.ا. از سیاست امپریالیسم آمریکا جدا نیست. ترکیه عضو پیمان ناتو است و در وابستگی بی چون و چرای آن به امپریالیست های غرب هم هیچ تردیدی نیست!

تلاش برای احیای روح سنتو، احیای رژیم ستم شاهی است در لباس مبدل با رژیمی که مردم ایران با دادن دهها هزار شهید و صدها هزار زخمی و معلول آن را به گورستان تاریخ فرستادند. بقیه در صفحه ۱۳

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

در هفته ای که گذشت:

حراج ایران!

سیاست خائمان برانداز درهای باز که از سوی حکام ج ۱۰۰ اعمال می شود و روابط فزاینده آشکار و نهان رژیم با انحصارات امپریالیستی، هر روز ابعاد گسترده تری به خود می گیرند .

حاکمیت ج ۱۰۰ در ادامه مسخ انقلاب با شتاب روز افزونی در جهت احیا و نوسازی وابستگی اقتصادی، نظامی، سیاسی و فرهنگی میهن مان به امپریالیسم جهانی گام بر می دارد .

در هفته ای که گذشت معاون سیاسی وزارت

امور خارجه ژاپن در رأس هیئتی وارد تهران شد . وزارت امور خارجه ایران در اطلاعیه ای که در پاره سفر این هیئت به ایران صادر گردیده بود، اعلام کرد:

" این سفر یکی از دیدارهای مستمر بین مقامات ج ۱۰۰، ژاپن برای توسعه هر چه بیشتر روابط دو جانبه میان دو کشور است" (۲۷ دی ۶۲ رادیو ایران) .

در پایان این دیدار نیز سفیر ژاپن در ایران طی مصاحبه ای گفت:

" در این دیدار، همکاری های بازرگانی و اقتصادی مورد بحث قرار گرفت و یکی از پیامدهای آن موافقت در مورد از سر گرفتن عملیات تکمیلی پتروشیمی بندر خمینی بوده است " .

و با رضایت کامل ادامه داد:

" کارشناسان آن کشور آماده هستند تا کار تکمیل پروژه پتروشیمی را به سرعت از سر گیرند " .

مسلم است که کارشناسان ژاپنی تنها بیوای گردش و دیدار از آثار باستانی به ایران نمی آیند و پشت سر این جملات، احیا و وابستگی اقتصادی و فنی به امپریالیسم جهانی - که از مدت ها پیش به برنامه استراتژیک سران ج ۱۰۰ بدل شده است - قرار داد .

سیاست خائنان سران ج ۱۰۰ به روابط گسترده آنان با ژاپن محدود نمی شود. هفته ای که گذشت روزنامه " فرانکفورتر روند شاو " طی مقاله ای از واقعیت وابستگی روز افزون ایران به بازارهای امپریالیستی پرده برداشته می نویسد:

" به احتمال خیلی زیاد، ایران از عربستان سعودی به عنوان مهم ترین واردکننده کالا های آلمان فدرال در منطقه خاور میانه پیشی گرفته است . هنوز نمی توان به طور قطعی این نتیجه گیری را کرد، زیرا تنها آمارهای یازده ماه اول سال گذشته در دست است که طبق آن عربستان سعودی با فاصله ناچیزی هنوز مقام اول را در صادرات آلمان به خود اختصاص می دهد . البته باید در نظر داشت که با پویایی فوق العاده صادرات به ایران، می توان نتیجه گرفت که برتری ناچیز عربستان سعودی در ماه

دسامبر بر طرف شده است . ارقام مطلق و تخییرات نسبی نسبت به یازده ماه سال ۱۹۸۲ تصویر زیر را نمایان می سازد: آلمان فدرال در این فاصله ۶ / ۹۵ میلیارد مارک به عربستان سعودی صادر کرده است که نسبت به سال گذشته ۱۱٪ کاهش یافته است . ایرانیان به میزان ۶ / ۹۱ میلیارد مارک کالاهای آلمان فدرال را خریداری کرده اند که نمایانگر رشد ۱۳۴ درصدی نسبت به سال قبل است " .

مقاله سپس به مقایسه حجم صادرات آلمان فدرال به ایران در زمان رژیم شاه و دوران کنونی پرداخته و از زبان ویز پلستیک معاون ریاست " دوپچه بانک " می نویسد:

" حجم صادرات آلمان فدرال به ایران از اوج صادرات در زمان رژیم شاه نیز بیشتر است . روابط تجاری نسبت به زمان قبل از خمینی ها ز کیفیت برتری برخوردار است . در حالی که علاقه تهران قبلا بیش از همه متوجه تأسیسات بزرگ بود که نه تنها با وام دولت آلمان بلکه با وام بانکهای آلمانی تأمین مالی می شد، تجارت خارجی با ایران، امروز بیش از پیش بر مبنای پول در مقابل کالا استوار گردیده است . محور اصلی امروز بر " تجارت عادی " قرار دارد . دامنه کالاهای صادراتی بسیار متنوع است و وسائط نقلیه، دستگاه های مختلف، دارو، مواد غذایی (و در یک کلام کالاهای مصرفی) را در بر می گیرد " .

خیانتکاران به اهداف انقلاب شکوهمند بهمن راه برون رفت از بحران فراگیر کنونی را در همسویی کامل با امپریالیستها در همه زمینه ها یافته اند . اینان چنان در منجلاپ سازش بینا امپریالیسم فرو رفته اند که ترجیح می دهند ، واقعیت استثمار گرانه امپریالیستهای ژاپن و آلمان فدرال را که بر کسی پوشیده نیست، نا-

دیده بگیرند .

سرکوب دگراندیشان ادامه دارد!

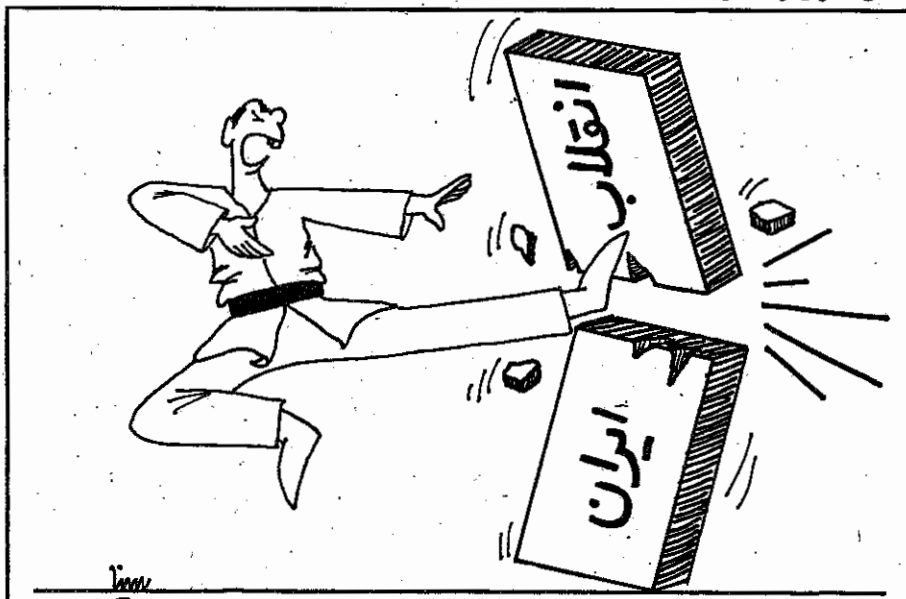
محسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران که مأموریت سرکوب دگراندیشان را به عهده دارد ، در شهرستان زرنند کرمان اعلام داشت که یک صد نفر از اعضا سازمان مجاهدین خلق ایران در تهران دستگیر شده اند . " گناه " این جوانان به گفته وی این بود که " با جوسازی و شایعه پردازی اذهان عمومی را خدشه دار کنند " .

فرمانده سپاه پاسداران که می داند اتهام " جوسازی و شایعه پردازی " فاقد پایه حقوقی است، بلافاصله افزود، گویا آنان پنج دستگاه بی سیم بسیار قوی که می توانستند مستقیما با کشورهای فرانسه و آلمان غربی و غیره تماس برقرار کنند در اختیار داشتند .

اینکه هر دگراندیش مورد تهاجم ارگانهای سرکوبگر حتما باید دستگاه بی سیم داشته باشد و این امر به سنتی درج ۱۰۰ تبدیل شده نشانگر ژرفای سقوط اخلاقی هیئت حاکمه و بیانگر عدم اعتماد به خود و عجز رژیم است .

سران ج ۱۰۰ که سیاست ترور و اختناق را از رژیم مخلوع شاه به عاریت گرفته اند، برای حفظ بقا خود از هیچ جنایتی روی گردان نیستند . با کمال تأسف مطلع شدیم که علاوه بر دستگیری یک صد نفر از اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران، اخیرا یازده نفر دیگر از اعضای آن سازمان را پس از شکنجه های وحشیانه به جوخه اعدام سپرد هاند .

ما به این اقدام ضد انسانی ارگانهای سرکوبگر رژیم شدیداً اعتراض می کنیم و خواهان پایان دادن به جنایات و آزادی قربانیان استبداد قرون وسطایی هستیم .



سرمایه گذاری ژاپنی ها در ایران افزایش می یابد .

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

سیاست شوروی ستیزی

بقیه از صفحه ۴

و ژاپن از ۹/۷ درصد به ۱۱/۹ درصد رسید .
(اطلاعات ۴ دی ۶۲)

در این گزارش از افزایش سریع معاملات بازرگانی مستقیم با ایالات متحده آمریکا سخنی به میان نیامده است؛ ولی روزنامه واشنگتن تایمز در شماره ۱۲ اکتبر ۱۸۳ اینکده صادرات نفت خام ایران روزانه به ۲/۲ میلیون بشکه رسیده و ج ۱۰ توانسته اصل و فرع یدهای های رژیم شاه مخلوع و نیز خسارات بانکها و کمپانی های آمریکایی را بپردازد، اظهار خرسندی کرده است . این روزنامه نوشت، ایالات متحده آمریکا سال گذشته مخفیانه معادل ۵/۴ میلیون دلار نفت از ایران خریداری نمود که در سال جاری مقدار آن افزایش یافته است . در عین حال شرکت های آمریکایی فروش مستقیم کالا به ایران را آغاز نمودند .

خیانت به منافع ملی

این تنها ما نیستیم که می گوئیم تهدید بازرگانی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی که نتیجتاً به گسترش مناسبات بازرگانی با انحصارهای غارتگر امپریالیستی منجر می شود، به سود ایران نیست . در گزارش نامبرده مندرج در اطلاعات چنین می خوانیم :

" دولت برای جلوگیری از بالا رفتن قیمتها

تلاشهایی را برای بهبود روابط با کشورهای سوسیالیستی شرق که مایل به انجام معاملات پایاپای هستند، به کار برد . زیرا معاملات با این کشورها به دلایل چندی منجمله انعقاد معاملات تهارتی، پیدایش بازارهای صادراتی برای محصولات ایران که قابل رقابت در بعضی از کشورها نیست، از صرفه جویی در ارز در شرایط مناسبی برخوردار بود ."

معامله تهارتی یعنی فروش کالا در مقابل خرید کالا، گاز مورد بحث یکی از این کالاها بود . ایران با فروش گازی که دهها سال در سرچاههای نفت سوزانده و تبدیل به دود می شد، توانست هزینه ساختمان عظیم مجتمع ذوب آهن اصفهان، کارخانه ماشین سازی اراک، هزینه ساختمان سدارس و دیگر موسسات صنعتی را بپردازد . این کارخانهها بزرگترین و مهمترین یگانه صنایع کلیدی ایران اند که با کمک اتحاد شوروی در ایران احداث گردیده، بدون اینکه

دیناری ارز از کشور خارج شود . حتی در شرایط بحرانی کنونی این موسسات توانسته اند به کار خود ادامه داده و زندگی دهها هزار کارگر و اعضای خانواده آنها را تأمین کنند . همین چندی پیش بود که رسانه های گروهی با خطوط درشت از موفقیت ج ۱۰ در زمینه خاتمه احداث کوره بلند دوم ذوب آهن یاد کردند ، ولی آنها عدا فراموش نمودند بنویسند که در

همین چندی پیش بود که رسانه های گروهی با خطوط درشت از موفقیت ج ۱۰ در زمینه خاتمه احداث کوره بلند دوم ذوب آهن یاد کردند ، ولی آنها عدا فراموش نمودند بنویسند که در

این موفقیت، کارگران و کارشناسان اتحاد شوروی، دوشادوش کارگران و متخصصین ایر سهم تعیین کننده داشتند . رئیس کارخانه ذوب آهن در مصاحبه ای اظهار داشت که بهره برداری از دومین کوره بلند ذوب آهن اصفهان تولید چدن کارخانه ذوب آهن ۱۸۰۰ تن به ۴۰۰۰ تن افزایش خواهد یافت " بدین ترتیب سالانه از صد و صد میلیون دلار ارز جلوگیری خواهد شد . با اندازی نورد ۵۰۰ ظرفیت نورد از ۵۵۰ هزار تن فعلی به یک میلیون و ۲۵۰ هزار تن، در سال ۶۴ به ۱/۹ میلیون تن خواهد رسید که نقش اساسی در تأمین نیاز مملکت در این رابطه خواهد داشت ."

شمش تولیدی حاصل از بهره برداری کوره دوم این کارخانه به سایر کارخان های نورد داخل کشور فرستاده می شود که این امر نیز مانع خروج ارز از کشور خواهد شد (اطلاعات ۱۶ آذر ۶۲)

آیا سران رژیم می توانند نمونه مشابهی را به کمک دول امپریالیستی در ایران به وجود آورده دهند ؟ پاسخ منفی است . همه موسسات که انحصارهای خارجی در ایران به وجود آورده اند، در درجه اول عبارتند از موسسات مونتاز که صد درصد وابسته به خارج اند و منبع اصلی صدور ارز و یا انتقال میلیاردها شورو کشور به گاوهند و قهپای انحصارهای خارجی ، بزرگترین عامل تورم فزاینده، بیکاری مزمن، بالا رفتن قیمت ها و فقر گسترده در میهن ما هستند . این است حقایق تکان دهنده ای که می بقیه در صفحه ۱۵

تحولات طبقاتی در جامعه

بقیه از صفحه ۹

د هسال پیش عکس او را در مسیری که شاه . . . از آن گذاشته است . پیسر - داشته اند، بی اعتبار کند . (خاموشی - سخنرانی در جلسه شعبه شهرستانهای اتاق بازرگانی و . . . نشریه اتاق - دی ماه ۶۱)

قدرت اقتصادی دم افزون بازار، پشتوانه اصلی بازاریان بزرگ برای تأمین نقطه نظرهای سیاسی خویش در راستای حفظ و ترمیم اقتصاد وابسته و توسعه مناسبات وابستگی آفرین با کشورهای امپریالیستی است . آنان امروز نیز مانند گذشته، بخش ناچیزی از ثروت انبوه خویش را به صورت " وجوه شرعی " به مراجع تقلید می - پردازند . افزایش ثروت بازار به معنای افزایش سهم حوزه های علمیه نیز هست . قطع این وجوه می تواند هر مرجع تقلیدی، از جمله آیت الله خمینی را به شدت تضعیف کند . از سوی دیگر یکی از منابع اصلی کمک مالی به دولت پهران زده ها ز جمله برای اداره اقتصادی جنگ، کمک های بازاریان است . بازار قم - که توان اقتصادی محدودی دارد - تنها در یک روز ۱۳ میلیون تومان کمک مالی برای تأمین هزینه های جنگی دولت پرداخت . (هاشمی رفسنجانی - نماز جمعه)

تهدید به قطع این پرداخت ها، همواره یکی از ابزارهای اصلی بازاریان بزرگ برای پیشبرد مقاصد ارتجاعی آنان بوده است .

امروز روشن شده است که در آستانه چرخش به راست بهمن ۶۱، بازاریان بزرگ فشار اقتصادی و سیاسی سنگینی برای تأمین نظریات خویش، از جمله بر آوردن سه شرط اصلی یورش به حزب توده، ایران، قطع حملات سیاسی به بازار در نماز جمعه و در مجلس، و نخست و تهری عسکر اولادی، وارد آورده بودند .

فعالیت روشنگرانه حزب توده، ایران، یکی از عوامل اساسی ارتجاع بازار در راه مسخ انقلاب، انتخاب کم درد سر راه رشد سرمایه داری وابسته و باز سازی وابستگی به امپریالیسم بود . بیهوده نبود که یورش به حزب توده، ایران، به نقطه عطفی در روند گسترش مناسبات اقتصادی وابستگی آمیز ج ۱۰ - با اردوگاه امپریالیسم تبدیل شد .

به کمک اعمال نفوذهایی از این دست، امروز بورژوازی تجاری، به عامل تعیین

کننده های در طرح ریزی سیاست های حاکمیت ج ۱۰ . بدل شده است . نمایندگان

سیاسی بازار، آنجا که اهرم های کلیدی را در اختیار دارند، خود سیاست داند خود را جاری می کنند، آنجا که حضور ندارند، روحانیون و دولتمردان جز با رایه مناقع اساسی آنان در مسایل مهم اقتصادی و سیاسی، تصمیم گیری نمی کنند .

مجلس نمایندگان مردم در امور قانونگزاری، به حکم آیت الله خمینی، تاکنون رعایت مناقع آنان است که به وسیله شورای نگهبان پاسداری می شود . رئیس جمهور و دولت از دیرباز داوطلبانه در سیاست گذاری اقتصادی و برنامه ریزی بازسازی نظام سرمایه داری و بزرگ مالکی وابسته، اساسی ترین مناقع آنان را بر آورده می کردند . آیت الله خمینی، امروز هم از آنان دعوت می کند که نقش سیاسی مهم تر در حاکمیت به عهده بگیرند :

" شما بازار را بیدار کنید، تا در تهران و سایر جاها اشخاص خوبی را به مجلس بیاورند تا مجلس آینده از مجلس فعلی بهتر باشد (آیت الله خمینی سخنرانی در حضور بازاریان تهران - کیهان ۱۳ دی ۶۲) .

حتی در به اصطلاح دادستانی های انقلاب، بازاریان در اداره مستقیم غیر مستقیم امور، دخالت موثر دارند . بخش مهمی از بودجه زندان اوین را بازار تهران تأمین می کند . لاجوردی معروف، از نزدیکان گروه بازاریان پیرو آیت الله خمینی، در زمان نخست وزیری رجایی، نامزد وزارت بازرگانی بود . بسیاری از بازنویان و شکنجه گران زندان اوین، بازاریانی از طراز " ماشاءالله قصاب سرپرست بخش دامپروزی پنیاد مستضعفان هستند . از این روست که پلنوم هجده کمیته مرکزی حزب توده، ایران به درستی اعلام می کند :

امروز در ج ۱۰ " کلان سرمایه داران و به ویژه بورژوازی تجاری و نیز بزرگ مالکان، در مجموع خود، در پوشش " موازن شرعی " و " به نام امت مسلمان حکمروایی می کنند ."

" چرخش هیأت حاکمه به راست، در زمینه سیاست داخلی و خارجی که به شکل احیاء نظام منقطع سرمایه داری وابسته، تقویت پینه مالی بورژوازی تجاری، احیاء مواضع اقتصادی و مآلا سیاسی امپریالیسم و همسانی و همسویی هر چه بیشتر به دول امپریالیستی تظاهر می کند، جامعه را با بحران اجتماعی - اقتصادی سیاسی روبرو ساخته است " (استاد پلنوم هجده - ویژه نامه " راه توده " - ص ۷) .

ادامه دارد

”به یاد جنبش ۲ بهمن“

حزب توده ایران از مبارزه بر حق خلق کرد در راه خودمختاری در چارچوب ایرانی مستقل و آزاد پشتیبانی می کند

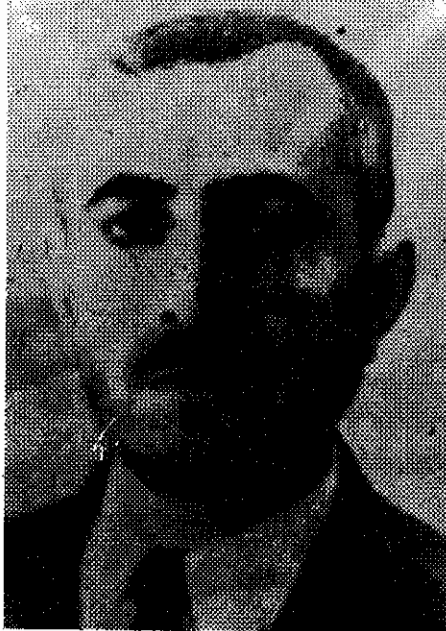
ادامه فشار سفارتخانه های ج.ا.ا. بر دانشجویان مبارز

سفارتخانه های ج.ا.ا. به ترفند های جدیدی برای تحت فشار قراردادن دانشجویان هوادار حزب توده ایران دست می یازد. در ماه های اخیر گزارشات متعددی از چهار گوشه جهان به دست ما رسیده که همگی حاکی از آنست که سفارتخانه های جمهوری اسلامی از تعدیدگذرنامه های دانشجویان هوادار حزب

توده ایران سرباز زده و در مواردی گذرنامه ها را استرداد نمی کنند. مقامات سفارت در پی پرسش و اعتراض دانشجویان مذکور به آنها گفته اند، تنها در صورتی گذرنامه شان استرداد خواهد شد که تعهد نامه کتبی ” مبنی بر عدم فعالیت سیاسی اهما کرده و از گذشته خود توبه کنند

” راه توده ” این اقدامات تضحیقی سفارتخانه های ج.ا.ا. را که تدابیر شیوه های رژیم ستمشاهی - ساواکی است ، شدیداً محکوم می کند . تجربه جنبش دانشجویی خارج از کشور نشانگر آنست که به کارگیری این شیوه های رذیلانه برای اعمال کنندگان آن ، هیچ گونه ثمری به بار نیاورده است .

رژیم شاه ملعون نیز برای کشانمیدن دانشجویان مبارز به انفعال سیاسی ، به همین شیوه ها متوسل شد و جز شکست نصیبی نیبرد . اکنون نیز کارگزاران رژیم ج.ا.ا. در خارج کشور قادر نیستند ، هزاران دانشجوی میهن دوست و مبارزی را که در تلاش افشای جنایات سبانه ج.ا.ا. در حق خلق و فرزندان راستین آن هستند ، از پیکار باز دارد .



قاضی محمد علی از چهره های درخشان تاریخ معاصر کردستان و ایران

عمومی حاکمیت ج.ا.ا. به راست به یأس بدل شده است . در قطعنامه پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است :

” هجدهمین پلنوم کمیته مرکزی ، دامنه جنگ برادرکشی در کردستان را که به خلق کرد تحمیل شده محکوم می کند و خواهان پایان دادن به بیماران شهرها و روستاهای منطقه و کشتار جمعی کودکان و زنان و پیر مردان است . پلنوم خواهان به رسمیت شناختن حق خودمختاری برای همه خلق های ساکن کشور در چارچوب تمامیت ارضی ایران است ” .

حزب توده ایران به مثابه پیگیرترین نیروی مدافع منافع زحمتکشان و خلق های ایران در برپانه پیشنهادی برای تشکیل جبهه متحد خلق بر سر ” حل مسئله ملی از طریق پایان دادن به محرومیت های اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی و تأمین حق خودمختاری خلق های ساکن ایران به مثابه ضامن تمامیت ارضی و به منظور تحقق وحدت ملی و حفظ استقلال کشور ” تأکید کرده و از جانب خود متذکر شده است که :

” حزب توده ایران کوشش های لازم را برای ایجاد تفاهم و تماس نزدیک با سازمان ها و نیرو های مترقی انقلابی خلق کرده عمل خواهد آورد ” .

۲۸ سال پیش ، در دوم بهمن ۱۳۲۴ ، خلق کرد ، نخستین حکومت ملی و مردمی خویش را برپا داشت .

در آن ایام خلق کردستان ایران ، در شرایط تاریخی پیروزی اتحاد شوروی بر فاشیسم هیتلری در جنگ کبیر میهنی و اوجگیری جنبش انقلابی مردم ایران که تحت رهبری حزب توده ایران رشد بی سابقه ای یافته بود ، توانست به مثابه جزئی از این جنبش ، دوش به دوش برادران آذربایجانی خود ، در گوشه های از خاک میهن ما ایران سنگر آزادی مستقر سازد و به همراهی همه مردم ایران شالوده ” ایرانی مستقل و آزاد را برپا ریزی کند .

قاضی محمد علی از چهره های درخشان تاریخ معاصر کردستان و ایران به رهبری این حکومت برگزیده شد . حکومت ملی کردستان سلطه ارتجاع فئودال - عشیره ای و امپریالیسم را از منطقه تحت حاکمیت خود برانداخت و حکومت خلق را مستقر ساخت .

حکومت ملی کردستان اگر چه پیش از ۱۱ ماه نیافتد و با یورش متحد ارتجاع حاکم و امپریالیسم سرنگون شد ولی در این دوران کوتاه با روح دموکراتیک ، و سنگینی انقلابی اصولی خود پسه نسلهای امروز و آینده خلق کرد یگانه راه آزادی را نشان داد .

بنیان گذاران ، اجرا کنندگان و رهبران این جنبش در تاریخ مقامی پس از زنده دارند و نسل های حق شناس همیشه با حس احترام در برابر خاطره ” شهدای این نهضت : قاضی محمد ، سیف قاضی ، صدق قاضی ، و دهها و صدها مبارز دیگر سر تعظیم فرود خواهند آورد .

اکنون که سی و هشت سال از پیروزی جنبش ۲ بهمن می گذرد ، به رغم انقلاب شکوهمندی که در میهن ما به وقوع پیوست ، مسئله ملی در میهن ما و به ویژه مسئله کردستان همچنان یکی از عمده ترین گرهگاه های بحرانی مبتلا به جامعه ما را تشکیل می دهد و خلق کرد تحت شدیدترین

محرومیت های اجتماعی و اقتصادی بیداشتی و فرهنگی رنج می برد ، شهرها و روستاهایش بنه وسیله بیماران های مدام حکومت مرکزی و قرار داشتن در صحنه ” جنگ ایران عراق با خاک یکسان شده است . امکان تأمین

خودمختاری در کردستان در چارچوب تمامیت ارضی ایران که در پی پیروزی انقلاب به واقعیت ملموسی تبدیل شده بود ، امروز دیگر با چرخش

سیاست

بقیه از صفحه ۱۴
خواهند زیر شعار بی محتوای نه شرقی ، نه غربی و یا بهتر گفته باشیم نه شرقی و فقط غربی از مردم ایران پنهان دارند . آنها که از خشم و نفرت مردم در هراسند ، مجبورند برای واقعیتات تعبیرات واهی بتراشند و به دعاوی بی مد رک متوسل شوند . تهمت وقیحانه به حزب توده ایران از جمله به قصد تیره ساختن روابط ایران با کشور های بزرگ همسایه و دست خلق های میهن ما نیز از اینجا سرچشمه می گیرد . این سیاست محکوم به شکست است .

توجه

به علت تراکم مطالب ، تعداد محدود صفحات ” راه توده ” و کمبود جا ، درج بخش اعظم تلگرام ها ، نامه ها ، پیام ها و اقدامات اعتراضی احزاب و جمعیت ها و محافل مترقی و دموکراتیک جهان از جمله دانمارک ، اطریش ، ایتالیا ، هندوستان ، آمریکا ، انگلستان و ... در این شماره ممکن نشد!



کنگره موسسان حزب کمونیست اسپانیا

همانطور که در شماره ۷۵ "راه توده" اطلاع دادیم در تاریخ ۱۴ ژانویه ۸۴ - در مادرید پایتخت اسپانیا کنگره مؤسسان حزب تازه کمونیست های اسپانیا - کنگره یگانگسی کمونیست ها زیر شعار "مارکسیسم - لنینیسم ما را متحد می کند" - گشایش یافت . یک کمیسیون تشکیلاتی که در آن نمایندگان چندین سازمان و جنبش کمونیستی با مواضع مارکسیستی - لنینیستی و انترناسیونالیسم پرولتری شرکت داشتند، دعوت کننده این کنگره بود . گزارش سیاسی توسط ایگناسیو گالیگو، یکی از کمونیست های قدیمی برجسته جنبش کمونیستی و کارگری در اسپانیا، خوانده شد . و به هنگام ارائه توضیحات پیرامون علل لزوم تشکیل حزب کمونیست تازه در اسپانیا، اعلام کرد که "کمونیسم اروپائی" موجب تفرقه کمونیست های اسپانیا شده و بسیاری کمو نیست ها را مجبور کرده است صغیر حزب کمونیست اسپانیا را ترک گویند، به طوری که این حزب نفوذ و اعتبار خود را در میان توده ها از دست داد و در آخرین انتخابات دچار شکست شد . گزارش دهنده خاطر نشان ساخت که علت اصلی پیدایش وضع بحرانی در حزب کمونیست اسپانیا، منحرف شدن رهبری حزب از تئوری و عمل مارکسیسم - لنینیسم، از جنبش جهانی کمونیستی و فراموش کردن تاریخ خود

حزب کمونیست اسپانیا بوده است . رفیق گالیگو افزود:

"کمونیسم اروپائی ما را از یکدیگر جدا ساخت اما مارکسیسم - لنینیسم ما را متحد خواهد کرد"

هنگام صحبت در باره وضع بین المللی گزارش دهنده استقرار موشک های تازه اتمی آمریکائی را در اروپای غربی به شدت محکوم کرد و گفت که این عمل قاره اروپا و صلح جهانی را سخت تهدید می کند . او ماهیت تجاوزگر پیمان آتلانتیک شمالی را رسوا ساخت و خواهان بیرون آمدن اسپانیا از این پیمان و برچیده شدن پایگاه های نظامی آمریکا در خاک اسپانیا گردید .

در این کنگره نمایندگان بسیاری از احزاب برادر کمونیستی و کارگری کشورهای سوسیالیستی و اروپای غربی و آفریقا و آمریکای لاتین از جمله حزب توده ایران، همچنین از جنبش های آزادی بخش ملی حضور داشتند .

زاین

ناکازونوه، نخست وزیر ژاپن تصمیم اتخاذ شده در باره افزایش بودجه نظامی سال مالی ۱۹۸۴ را به یک میلیارد دلار اعلام کرد . سخنگوی دولت ژاپن تلویحاً تأکید کرده این تصمیم زیر فشار آمریکا اتخاذ گردیده است . خبرگزاری کیودو و سوسینگ گزارش داد که وزارت امور خارجه آمریکا از یک چنین افزایش قابل ملاحظه هزینه های نظامی ابراز خوشبختی کرد . این وجوه برای خرید مدرن ترین بم افکن های شکاری ساخت آمریکا و هواپیمای ویژه ناوگان دریائی با شعاع عمل زیاد و ناوهای جنگی بزرگ یعنی برای افزایش قدرت تهاجمی بالقوه به مصرف

خواهد رسید .

اعتصابات کارگری

برای اولین بار بعد از ۱۰ سال حکومت نظامی در ارگوئه در اثر انحلال اتحادیه کارگری از طرف این سازمان يك اعتصاب ۴ ساعته اعلام گردید که به فلج شدن امور تولید انجامید، دولت برای سرکوب اعتصاب کنندگان نیروی ارتش متوسل شد .

در آفریقای جنوبی نیز هزاران کارگر آفریقائی صنایع شیمیائی این کشور دست به اعتصاب زد هاند . این اعتصاب ها به وسیله اتحادیه کارگری کارگران بوجسی رهبری می شد . اعتصاب کنندگان خواهان درآمد بیشتر و بهبود شرایط کار گردیدند .

آندری گرومیکو:

بقیه از صفحه ۵

اتحاد شوروی از جانب خود، همان طور اخیراً در تصمیمات شورای عالی اتحاد شوروی منعکس شد ، در آینده نیز، گام های لازم را به منظور بهبود اوضاع بین المللی برخواهد داشت .

بگذار امیدوار باشیم که در محافل حاکم ایالات متحده آمریکا به پیام های وخیم ایبر می که بر پایه جبهه گیری به جای همکاری تسلیحات به جای گفتگو و مشت به جای دیپلماسی بنا شده است پی ببرند .

**کمک مالی به
حزب توده ایران،
یک وظیفه انقلابی است!**

رفقای هوادار حزب توده ایران در
اسن (آلمان فدرال)
هزینه چاپ این شماره "راه توده" را
تأمین گردند

RAHE TUDEH

No. 77

Fri day, 27. Jan 84

Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	Italy	600	L.
France	Fr. U.S.A.	50	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.

آرش کمانگیر، کسرایی، به روایت حیدر مهرگان

بقیه از صفحه ۱۰

کجه دارد . او بر هستی طبیعت حاضر در "آرش" نظر می افند، انسان زاده کار را به محک می - نشیند، تضاد و وحدت انسان و طبیعت را ارزیابی می کند، به روان آدمی می پردازد، عقل و قلب او را می بیند، اندیشه و احساسش را می شکافند ، "سویاس و سوسه" بودن یا نبودن را مطرح می کند و توان بردن رنجی - که در ضعف آدمی و انسانی ترین غریزه و استعداد اوست " اندازه می گیرد و سرانجام به این نتیجه می رسد که:

" قدرت آرش، در ضعف اوست - عشق او از نفرت اوست " .
" دیدار با آرش "، در پایان به تأثیر نیرو ده و حماسه آفرین این منظومه اشاره می کند و به عنوان گواه:

" همایون کتیرائی، فاتح شکنجه گاه های شاه، در واپسین شبی که از زندان جمشید آباد به میدان تیر رفت، گفته بود:
- آرش را بخوانیم ."

نثر فاخر و غنی مهرگان، در پرداخت این نقد، خود جای والایی دارد: در توصیف آن همین بس که بگوئیم زیر عنوان کتاب: " بخششی در دیالک تیک منظومه " آرش کمانگیر " تا رویود هر جمله این تقد را می سازد .

- ۱- صفحات ۷ تا ۹ - ۴ صفحه ۲۲
- ۲- شاعر مکزیکی - ۵ صفحه ۲۷
- ۳- صفحه ۱۵ - ۶ صفحه ۳۶

**مخارج چاپ مجدد این اثر
ارزنده، توسط یک رفیق
توده ای پرداخت شد.**